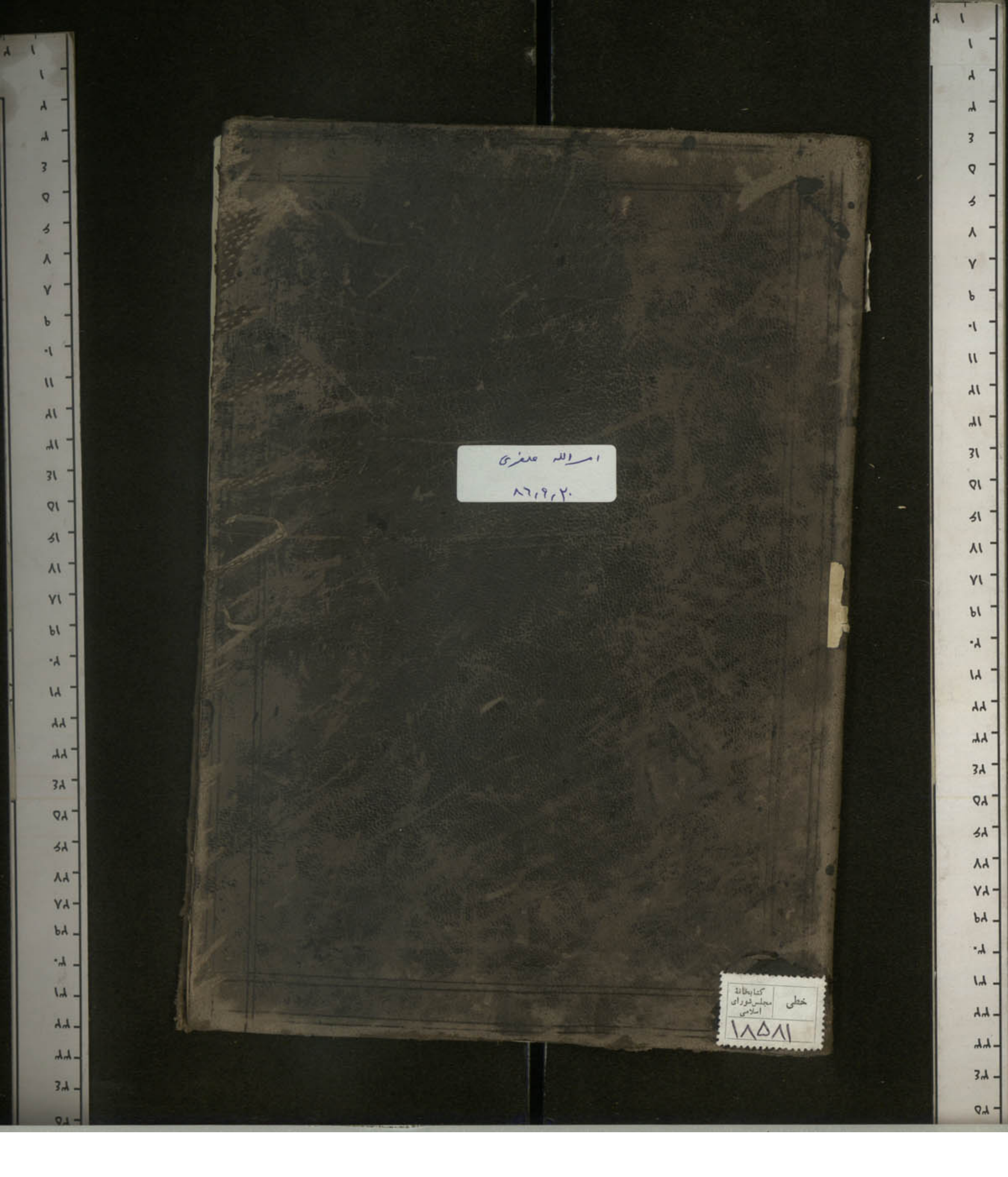
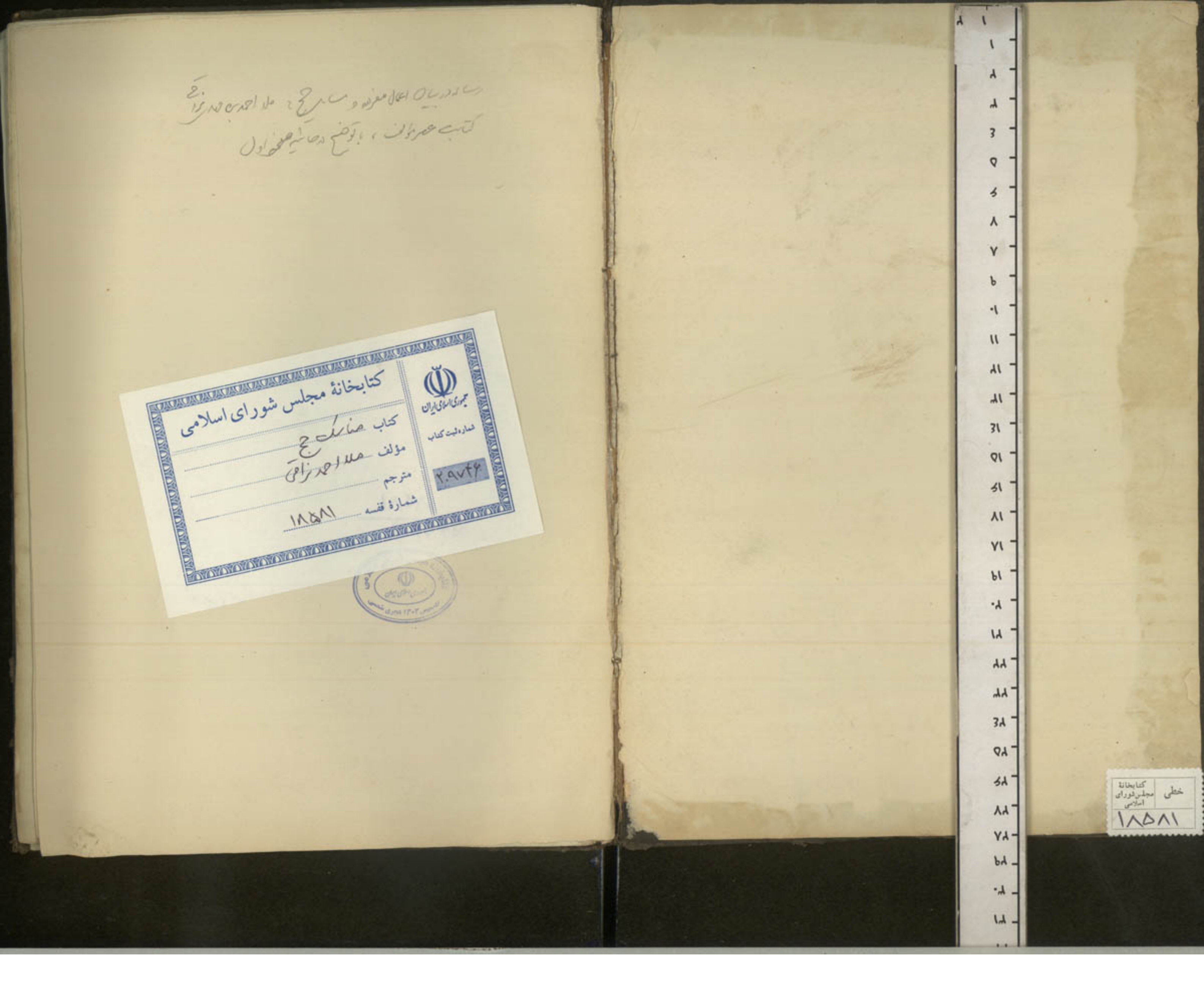
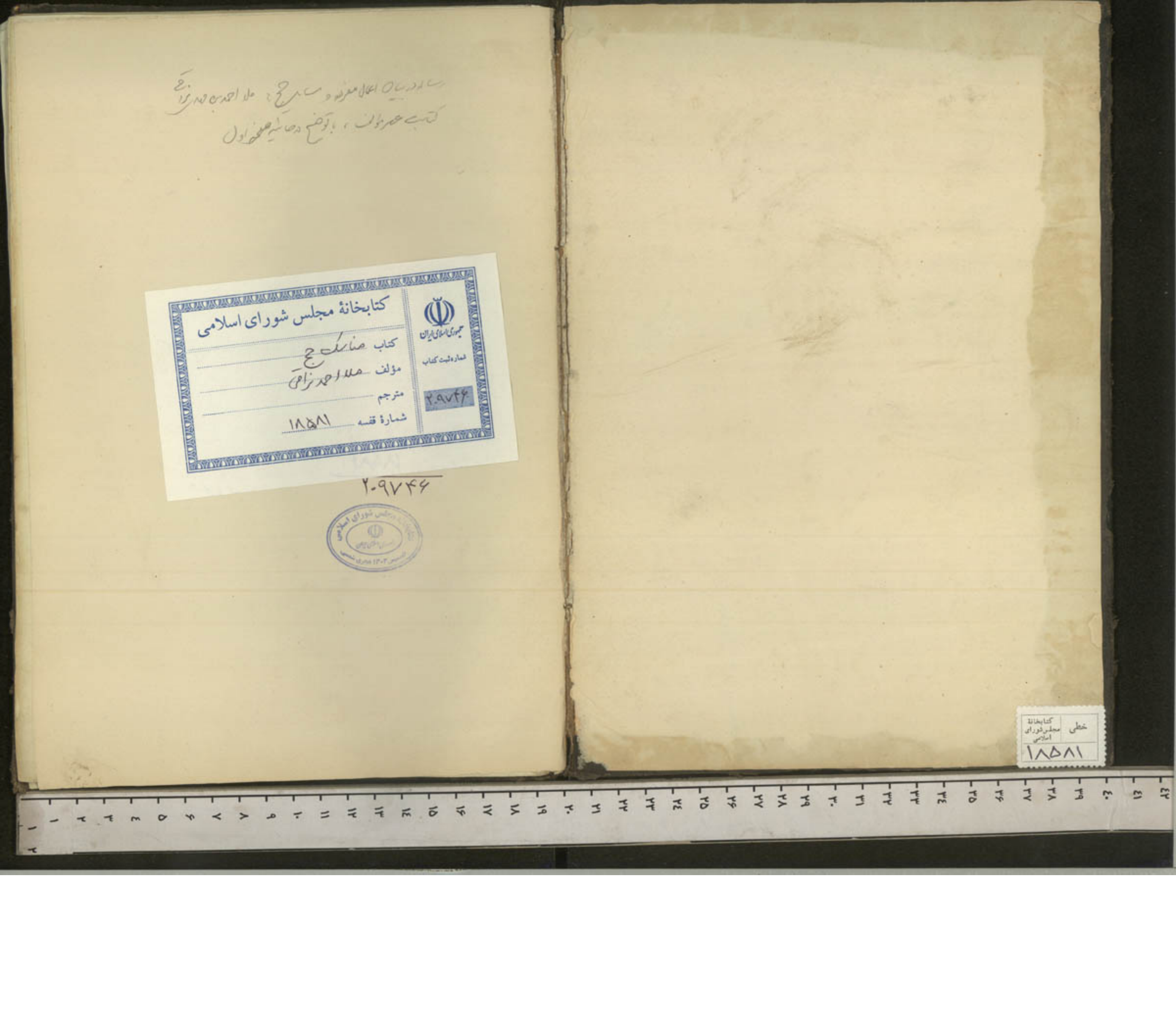

امرالله معزی
۸۶،۹،۲۰



رساله در بیان اعمال مفرده و مناسک حج، ملا احمد بن محمد نراقی
کتابت عصر مؤلف، با توضیح در حاشیه صفحه اول


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۹۷۴۶
کتاب مناسک حج
مؤلف ملا احمد نراقی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۵۸۱
۲۰۹۷۴۶
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۵۸۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین اما بعد چنین گوید بنده کمتر وذره احقر احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر که چون حسب الخواهش یکی از مخادیم کتابی تألیف شد در خصوص مسائل حج که علاوه بر بیان افعال واجبه عمره و حج مشتمل بود بر بسیاری از مسائل متعلقه باینها و جامع بود کثیری از افعال وادعیه مستحبه را و نظر بطول آن ضبطش بر بسیاری از کسان که از علم بهره نداشتند در نهایت اشکال بود لهذا بخاطر فاتر رسید که مختصری نوشته شود در بیان افعال واجبه عمره و حج و مسائل متعلقه باینها و قلیلی از افعال مستحبه لهذا شروع در تالیف این مختصر شد و از امر تب شود بر یک مقدمه و دو مقصد و خاتمه مقدمه در ذکر اقسام حج و عمره و بیان هر یک از اینها بر سبیل اختصار و اجمال تا هر کسی در وقت نیت متذکر معانی الفاظی که قصد می کند باشد که باعث خلل و فساد در نیت نشود بدانکه افعالیکه در مکه باید بجا آورده شود دو چیز است

اول عمره دویم حج و عمره بر دو قسم است عمره تمتع و عمره مفرده و صورة عمره تمتع آن است که باید پیش از حج کردن از میقات احرام بست و رفت بمکه و طواف کرد و دو رکعت نماز طواف کرد و بعد از آن سعی میان دو کوه صفا و مروه کرد و بعد از آن تقصیر نمود یعنی چیدن چیزی از موی سر یا ناخن و صورت عمره مفرده مثل عمره تمتع است مگر در سه چیز اول آنکه مفرده بعد از حج است دویم آنکه میقات عمره مفرده ادنی الحل است نه میقاتهای معینه سیم آنکه در عمره مفرده طواف نساء و دو رکعت نماز آن واجب است و در عمره تمتع نیست و بدانکه این دو عمره بر هر کسی واجب نیست بلکه واجب یکی از اینهاست و در حق هر کسی واجب تفاوت میکند

بتفصیلی

ذکر اقسام حج و عمره

بتفصیلیکه مذکور خواهد شد واما حج بر سه قسم است حج تمتع و حج افراد و حج قران و شرط است در حج تمتع که پیش از احرام بستن از برای حج عمره تمتع را بنحویکه مذکور شد بعمل آورد پس صورت حج تمتع آن است که بعد از فارغ شدن از افعال عمره از مکه احرام بجهت حج به بندد و بعد از آن برود بعرفات و وقوف بعرفات را بعمل آورد و بعد از آن بمشعر رود و وقوف بمشعر را بعمل آورد و در روز عید بمنی آید و در آنجا رمی جمره عقبه را بعمل آورد پس بعد از آن قربانی کند پس حلق یا تقصیر بعمل آورد پس بمکه آید و طواف حج و دو رکعت نماز آن و سعی میان صفا و مروه و طواف نساء و دو رکعت نماز آن را بعمل آورد و عود بمنی کند و در آنجا بیتوته ایام تشریق بعمل آورد و در این ایام رمی جمرات ثلثه را بعمل آورد و تفصیل این احکام و سایر آنچه متعلق باینهاست در مقاصد بیان خواهد شد واما حج افراد پس عمره پیش از آن نیست بلکه باید بعد از فراغ از حج عمره مفرده بنحویکه مذکور شد بعمل آید و صورة حج افراد مثل حج تمتع است و فرقی نیست مگر در چند چیز اول آنکه باید پیش از حج تمتع عمره تمتع بجا آورد و در حج افراد پیش از حج عمره نیست بلکه باید بعد از حج عمره مفرده بعمل آورد دویم آنکه هر گاه کسی ابتداء حج افراد خواهد بکند باید احرام آن را از میقاتیکه احرام بعمره تمتع می بندند به بندد و در حج تمتع احرام را از مکه می بندد سیم اینکه قربانی کردن در حج افراد لازم نیست و در بعضی احکام دیگر نیز فرق دارند که تفصیل آن در این مختصر لازم نیست واما حج قران پس مثل حج افراد است مگر اینکه باید در قران از وقت احرام سیاق هدی بعمل آید و از آنچه مذکور شد معلوم شد که عمره تمتع اسم است از برای پنج عمل مذکوری که بعد از آن حج کرده شود و حج تمتع اسم است از برای اعمال مذکوره که قبل از آن عمره بعمل آمده باشد و عمره مفرده اسم است از برای هفت عمل مذکوره که بعد از آن حجی نباشد و همچنین در غیر اینها و نظر باینکه واجب بر جماعتی که خانه ایشان از مکه شانزده فرسخ یا بیشتر دور باشد حج تمتع است مگر هرگاه عذری رو بدهد که نتوانند حج تمتع را بجا آورند بر تفصیلیکه مذکور خواهد شد و حج قران و افراد واجب است بر جماعتی که خانه ایشان از مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد پس در این رساله اکتفا به بیان احکام حج تمتع شد و حج قران و افراد بیان نشد و دیگر بدانکه حج یا واجب است یا سنت اما حج واجب دو قسم است حجة الاسلام و از آن حج اسلام هم میگویند و غیر حجة الاسلام و حجة الاسلام عبارت است از حجی که بجهت استطاعت بر کسی لازم میشود و در همه عمر یکبار است و غیر حجة الاسلام مثل حجی که بنذر واجب شود یا بنیابت دیگری و دیگر بدانکه حج یا اصالة باشد یا بنیابة اصالة آن است که آدمی از برای خود حج کند و نیابة آن است که از

برای شخصی دیگر کند و چون که اینها معلوم شد پس باید هر کسی در وقت نیت معانی این الفاظ را بداند مثلا در وقتی
که میگوید عمره بجای میاورم عمره تمتع در حج اسلام اصالة واجب قربة الی الله باید بفهمد که عمره یعنی ان پنج عمل
مذکور و عمره تمتع یعنی عمره که بعد از فارغ شدن ان و بیرون امدن از احرام ان حج بعمل خواهد امد و حج اسلام
یعنی حجی که بجهة استطاعت برمن واجب شده و اصالة یعنی از برای خود میکنم نه از برای دیگری چونکه دانستی
که واجب بر کسانیکه خانه اینها از مکه شانزده فرسخ یا بیشتر است حج تمتع است و حج تمتع عبارتست از عمره
که پیش از حج بجا اورده میشود و حج پس دو مقصد که یکی در بیان افعال عمره است و احکام اینها و دیگری در بیان
افعال حج و احکام اینها **مقصد اول** در بیان افعال عمره و چون افعال عمره تمتع پنج است احرام و طواف و دو
رکعت نماز ان و سعی و تقصیر و قبل از اراده احرام بعضی اعمال نیز باید بجا آورده شود این مقصد را مرتب ساختیم
بر یک مقدمه و پنج فصل **مقدمه** در افعالیکه پیش از رسیدن بمحل احرام باید بجا آورد بدانکه اولا بر هر کسی لازم
است که بنای مسایل حج خود را بر اصل صحیحی گذارد یعنی یا خود باید مجتهد باشد یا مقلد مجتهد زنده که اگر حاجی
نه مجتهد باشد و نه مقلد مجتهد زنده که در مسایل حج تقلید او نماید و از ان اخذ کند حج او صحیح نیست اگر چه بر
سبیل اتفاق موافق قول یکی از مجتهدین زنده عمل کرده باشد و عمل کردن بقول معلمین که در مکه میباشند
صورت ندارد با وجود اینکه مذهب اکثر ایشان معلوم نیست بلی هر گاه کسی بنای مسایل خود را بتقلید مجتهد
زنده گذارده باشد و از ان اخذ مسایل نموده باشد اما بتفصیل بخاطر او نباشد و از گفتن معلمین بتفصیل
هر یک را متذکر شود ضرر ندارد و ثانیا بر هر کسی که اراده حج دارد لازم است که نیت خود را خالص کند
و در نظر او بغیر از امتثال امر خدا و نجات از عذاب اخروی و رسیدن بنعیم بهشت نباشد و هیچ امری
دیگر محرک و باعث حج کردن او نباشد و نیت او از شایبه ریا و اغراض دنیویه و شهرت و تجارت و امثال
اینها خالی باشد و هیچ یک از اینها باعث بمکه رفتن او نباشد و احوط ان است که در وقت بیرون رفتن از
خانه بسفر حج نیت کند باین نحو که مسافرت میکنم از برای بجا اوردن حج اسلام حج تمتع از جهة انکه بر من
واجب است اصالة قربة الی الله و هر گاه نایب باشد بجای اصالة بگوید که بنیابت فلان شخص قربة الی الله
و سنت است که در وقت بیرون رفتن از خانه دو رکعت نماز کند و بعد از ان بگوید اللهم انی استودعک
نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی و باطمینان قلب خود را و اهل و اولاد و سایر

الحمد لله علی ...

بیان افعال عمره و مواقیتی که در اینجا باید احرام گرفت

انچه متعلق بان است بخدا بسپارد و در وقتی که از خانه بیرون میاید کلمات فرج را بخواند و بعضی ادعیه
و ادعیه دیگر نیز وارد شده است که در وقت بیرون رفتن و سوار شدن و منزل کردن و غیر ان باید بجا
اورد و ذکر اینها در این مختصر مناسب نیست و در مناسک کبیر بسیاری از اینها مذکور است و سنت است که
از اول ذی القعده ترک سر تراشیدن کند و سر را نه تراشد و در اول ذیحجه تاکید ان بیشتر است **فصل اول**
در بیان احرام گرفتن بجهة عمره تمتع بدانکه چون پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای احرام بستن اهل هر ولایتی
موضعی قرار داده که باید از انجا احرام گرفت و اینها را میقات میگویند پس باید بیان اینها را نمود لهذا میگوییم
که مواضعی که باید از انجا احرام گرفت پنج موضع است **اول** وادی عقیق و ان میقات کسانی است که از
عراق میروند و ان راهی است که حال میگویند راه بیابان است و اغلب ان است که کسانی که از بغداد و از این راه
میروند محاذی نجف اشرف عبور میکنند و افضل ان است که از اول ان وادی که مسلخ است در وقت رفتن
از عراق بمکه ابتدا بان میرسد احرام بسته شود و بعد از ان افضل وسط ان است که غمره است و بعد از ان
اخر ان که ذات عرق است و احوط ان است که تا خر انداخته نشود احرام تا ذات عرق بلکه پیش از ان احرام
بسته شود و بعضی گفته اند بهترین مواضع از وادی عقیق برکه شریفه است و ان برکه ایست بربع در طرف
دست راست کسی واقع است که از عراق بمکه رود و در اطراف و حوالی ان درخت مغیلان بسیار است
و دلیلی بر افضل بودن برکه از سایر مواضع بنظر حقیر نرسیده و احتمال دارد که این بنا بر ان باشد که برکه
از مسلخ و غمره و ذات عرق ابتدای اینها افضل باشد از ما بعد و همچنین هر چه با بتدا نزدیکتر است افضل است
از بعد ان و برکه هم در ابتدای مسلخ باشد ولیکن حقیر در صدد تحقیق این مطلب بر امده معلوم حقیر نشده که برکه
ابتدای مسلخ باشد **دویم** ذو الحلیفه است که مشتمل است بر مسجد شجره و ان میقات کسی است که از راه مدینه
برود و احوط ان است که احرام از اصل مسجد شجره گرفته شود نه از خارج ان و چونکه والد ماجد حقیر قدس سره در ضبط
و تحقیق مسجد شجره نهایت دقت فرموده اند پس انچه در بیان ان در مناسک مکیه فرموده اند ذکر میشود فرموده اند
که مسجد شجره که حال در یک فرسخی مدینه است و ان فضاییست که اثار دیوار بر ان احاطه کرده است و بالفعل سقف
ندارد و در سمت چپ راه است نسبت بکسی که از مدینه بمکه رود و نزدیک است بگودالی وسیع عمیق که ان را بئر علی
گویند و متصل بان بر حوض مربع بزرگی است که اب از ان چاه می کشند و بدان حوض میریزند از جهة استعمال

دنباله که متصل است بفضای مسجد و در سمت قبله آنست و تخمینا نصف انکه در سمت چپ است نسبت بکسیکه داخل
شود سقف دارد و نصف دیگر دیوار دارد واما سقف ندارد و اثار سقف دارد و معلوم نیست که از مسجد باشد
پس احوط انست که در انجا احرام بسته نشود و همچنین باید در معرس النبی احرام بسته نشود و ان مسجد کوچکی است
که در سمت چپ مسجد شجره است و تخمینا یکمیدان اسب از ان دور است و مخفی نماند که چون راههائی که از مدینه
منوره بمکه مشرفه عبور میشود سه راه است یکی شرقی که از ان راه بمسجد شجره عبور نمی شود بلکه بمیقات وادی
العقیق میکذرند و پس باید در انجا احرام بسته شود و دیگری راه سلطانی و دیگری راه فرع و از این دو راه بمسجد
شجره عبور میشود یعنی تخمینا یکفرسخ از مدینه کذشته بمسجد شجره میرسد و بعد از شش منزل برابغ میرسد که احرام
اهل سنت است و در دو فرسخی رابغ جحفه است که یکی از مواقیت شعاست پس هرکه در یکی از این دو راه تردد
کند باید در مسجد شجره احرام بکیرد و با وجود اختیار جایز نیست که از انجا احرام نه بندد بلی هرگاه ممکن نشود که در مسجد
شجره احرام به بندد واجب است که در جحفه احرام به بندد و در رابغ احرام بستن جایز نیست و با وجود قدرت واجب
است که باصل جحفه برود و احرام به بندد هرگاه ممکن نشود که باصل جحفه رود باید که در محاذات ان احرام به بندد
و محاذات ان تخمینا دو فرسخ از رابغ کذشته است و در سمت چپ راه دیواری نصب است که ان دیوار محاذی
جحفه است تمام شد کلام والد ماجد طاب ثراه **سیم** قرن المنازل و ان میقات کسانی است که از راه طایف
بمکه بیایند و والد ماجد طاب ثراه در مناسک مکه فرموده اند که اصل قرن المنازل مسجدیست در راه یعرج که
از طایف بمکه میروند و چون حال از ان راه تردد نمی شود و از راه دیکر تردد میشود لهذا در این راه از محاذات ان
مسجد بنائی ساخته اند که حال آن میقات است و احرام از انجا میکیرند و احتیاط ان است که هرکه از آن راه
تردد می کند بعد از احرام کرفتن از این بنا که حال میقات است چون بادنی الحل رسد تجدید احرام کند که اکر آن بنا
در واقع محاذی مسجد که در راه یعرج است نباشد خللی در احرام نباشد **چهارم** یلملم است و آن میقات اهل یمن
کسانیکه از راه یمن بمکه میروند و ان دو منزلی مکه است و از ما بعدیه هم میکویند و والد ماجد طاب ثراه فرموده
است که ان وادی است مشهور و معروف و در پای کوهی واقع است و اوایل ان وادی وسیع است و تخته کوهی
دیکر که در میان ان واقع است دو شعبه میشود و هرچند در هر موضعی از این وادی احرام کرفتن جایز است لیکن
بهتر است که در انتهای وادی وسیع که متصل بکوهی است که در میان وادی است و در نزدیکی ان چاه آب

احرام کرفته

احرام کرفته شود **پنجم** جحفه است و این میقات کسانی است که از راه شام بمکه روند و این غیر از راه مدینه است و والد
ماجد طاب ثراه فرموده است که جحفه مسجد کوچکی است که تخمینا در دو فرسخی رابغ واقع است و در سمت چپ رابغ
نسبت بکسی که از مدینه بمکه رود و در سمت قبله ان مسجد بیک میدان اسب تخمینا فاصله غدیر خم است و مخفی نماند
که در اینجا چند مسئله است که باید بیان شود **مسئله اول** شناختن میقاتهای مذکوره یعنی دانستن اینکه فلان
موضع مسجد شجره است یا سلخ است یا غیر آن باید یا بخبر دادن دو نفر عادل باشد یعنی دو شخص عادل بکویند که این
سلخ است یا مسجد شجره است یا غیر آن و یا بکفتن کسانیکه در حوالی میقات و اطراف ان ساکن هستند یا کسانی
که بسیار در ان موضع امد و شد میکنند از اعراب و غیرهم بنحویکه بشیاع برسد و ظن غالب حاصل شود که این ان
موضع است **مسئله دویم** هرگاه کسی از راهی برود که بهیچ میقات برنخورد احوط ان است که در هر جا که ظن او غالب
شود که محاذی اقرب مواقیت بمکه است احرام به بندد و در ادنی الحل نیز تجدید نیت احرام و سایر متعلقات ان بکند **مسئله
سیم** جایز نیست تقدیم احرام بستن را بر میقات و همچنین جایز نیست تاخیر پس اگر کسی مانعی داشته باشد از احرام
بستن در میقات و تاخیر کند پس اگر ممکن باشد باید بعد از رفع مانع برگردد و از میقات احرام ببندد و هرگاه ممکن
نباشد برگشتن از هر مکانی که رفع مانع شود احرام به بندد هرگاه داخل حرم نشده باشد باید برگردد تا ادنی الحل
یعنی خارج حرم و از انجا احرام به بندد و هرگاه ممکن باشد و هرگاه ممکن نباشد از هر موضعی که ممکن باشد
احرام به بندد بلکه احوط ان است که از انموضعی رفع مانع شود و ممکن نیست رجوع بمیقات بهر قدر که ممکن باشد رجوع
کند و همچنین احوط ان است که کسی که مانع دارد از احرام بستن در میقات در وقت رسیدن بمیقات نیت احرام
و تلبیه کند و سایر انچه ممکن باشد بعمل اورد و حکم کسی که فراموش کند احرام را از میقات مثل کسی است که مانع داشته
باشد **اما طریقه** احرام بستن بدان که مستحب است که در وقتی که اراده احرام کرفتن دارد چند امر بعمل اورد **اول**
انکه بدن را از چرک پاک کند **دویم** انکه ناخن بکیرد **سیم** انکه شارب بکیرد **چهارم** انکه موهای زیادتی بدن را از زیر
بغل و غیر ان نوره بکذارد و هرگاه پانزده روز از نوره کشیدن نکذشته باشد کفایت میکند **پنجم** انکه غسل احرام
بکند و نیت کند که غسل احرام عمره اسلام و عمره تمتع میکنم قربة الی الله و هرگاه تشویش نیافتن اب در میقات باشد
و غسل را مقدم دارد سنت بعمل امده خواهد بود بلی هرگاه بعد از ان آب در میقات بیابد سنت است اعاده غسل کند
و هرگاه غسل کند و پیش از انکه احرام به بندد رختی بپوشد که بر محرم پوشیدن ان حرام است یا چیزی بخورد که بر

و هرگاه داخل حرم شده باشد

جواب
مسئله کرد از حاجی جعلی
سوال شده در ترک نمودن احرام
عمدا از مواقیت هرگاه قاصد حج تمتع
از میقات کذرد بغیر احرام عمدا و ممکن
از رجوع بسوی میقات نباشد حج در این
سال از او فوت شده خواه داخل
حرم شده باشد یا نشده باشد

محرم خوردن ان حرام است یا بوی خوش استعمال کند سنت است که غسل را اعاده کند و هرگاه بی غسل احرام به بندد سنت است که غسل کند و احرام را دوباره به بندد ششم آنکه احرام را در عقب نماز ظهر یا نماز های یومیه به بندد و اگر اینهم ممکن نشود شش رکعت نماز احرام کند به سه سلام یا چهار رکعت بدو سلام یا دو رکعت بیک سلام و نیت چنین کند که دو رکعت نماز احرام عمره تمتع عمره الاسلام میکنم قربة الی الله و در رکعت اول حمد و قل هو الله و در رکعت دویم حمد و قل یا ایها الکافرون بخواند و چون ازین افعال مستحبه فارغ شد شروع میکند باحرام بستن باین نحو که رختهای دوخته هرگاه پوشیده باشد بیرون میکند و هرگاه در وقت بیرون کردن رختها نیت کند باین نحو که رختهای دوخته را بیرون میکنم در احرام عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله بد نخواهد بود و بعد از ان دو جامه احرام میپوشد و نیت کند که دو جامه احرام میپوشم در عمره اسلام عمره تمتع از جهت آنکه واجب است قربة الی الله و واجب است که دو جامه باشد که یکی را بطریق لنگ به بندد و باید لااقل بقدری باشد که ما بین ناف و زانو را بپوشاند و دیگری را بطریق ردا بر دو کتف اندازد و لااقل باید بقدری باشد که دو کتف را بپوشاند و باید دو را گره نزند اما گره زدن لنگ ظاهرا مانعی ندارد و واجب است که جامه باشد که در ان میتوان نماز کرد یعنی پاک باشد و نجس نباشد و غصبی نباشد و بهتر انست که از مال حرام بلکه مشتبه نیز خریده نشده باشد و باید دوخته نباشد و حریر محض نباشد و احوط انست که جامه زنان نیز حریر محض نباشد و سنت است که جامه از پنبه باشد و سفید باشد و جایز است که از جهت رفع سرما یا گرما یا غیر اینها جامه دیگر علاوه بر دو جامه بپوشد بشرطیکه دوخته نباشد و همچنین جایز است عوض کردن جامه اما بهتر انست که در وقت طواف بهمان دو جامه اول طواف کند و اگر کسی جامه احرام نداشته باشد و قبائی داشته باشد جایز است که پائین آنرا بالا کند و بکتف اندازد و احوط ان است که اندرا برگرداند یعنی آستر از بیرون کند و بعد از احرام پوشیدن باید نیت کند و احوط انست که پیش از نیت احرام ابتدا نیت عمره کند باین نحو که عمره بفعل میآورم عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله و بعد از ان نیت احرام کند و چونکه باید بعد از نیت احرام تلبیه گفت باید در نیت احرام نیت تلبیه نیز ضم کند باین نحو که احرام میگیرم و چهار تلبیه میگویم در عمره اسلام و عمره تمتع اصالة واجب قربة الی الله و هرگاه نایب باشد بجای اصالة بگوید بجهة آنکه واجب است بر فلان کس اصالة و بر من نیابة و قربة الی الله و باید نیت در دل باشد و بزبان گفتن تنها کافی نیست و هرگاه نیت را ترک کند احرام او باطل است خواه عمدا باشد یا سهوا و باید

احرام

به بندد و افضل ان است که عقب نماز ظهر به بندد و اگر ممکن نشود در عقب نماز دیگر

از نیت احتیاطا بلا فاصله شروع در تلبیه کند و هرگاه خواهد احتیاط کرده باشد بعد از نیت بلا فاصله آهسته تلبیه را بگوید پس اگر از مسجد شجره احرام بسته باشد چون به بیدا رسد صدا را به تلبیه بلند کند و دوری بیدا از شجره تخمینا بقدر یکمیل است و اگر از میقات دیگر احرام بسته باشد اگر پیاده باشد بهتر ان است که چند قدم راه رود و صدا را بلند کند به تلبیه و هرگاه سواره باشد بعد از سوار شدن صدا را بلند کند و هرگاه در وقت بلند گفتن تلبیه تجدید نیت احرام و تلبیه را کند بد نخواهد بود و بلند گفتن تلبیه مخصوص مرد است و از برای زنان سنت نیست و قدر واجب از تلبیه اقوی ان است که بگوید لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک و احوط ان است که ضم کند با آن که ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک و بهتر ان است که یکدفعه هم احتیاطا مجرد را بگوید و یک لبیک هم در آخر اضافه کند بلکه هرگاه خواهد نهایت احتیاط را بجا آورد یکدفعه هم باین طریق بگوید که لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک لبیک و قدر واجب از تلبیه همان است که مذکور شد و مستحب است گفتن تلبیه باین طریق که لَبَّیْکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ دَاعِیًا اِلٰی دَارِ السَّلَامِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِی وَ یُفْتَقَرُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ ذَا النَّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظَامِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ یَا کَرِیمُ لَبَّیْکَ و بدانکه سنت است گفتن تلبیات اربع در اکثر اوقات خصوصا بعد از نمازهای واجبی و در سحرها و در وقت بیدار شدن از خواب و وقت خوابیدن و وقت سوار شدن و فرود آمدن و در وقت بالا رفتن بلندی و سرازیر شدن و در وقت ملاقات کردن با سواری و باید در وقتی که مشاهده خانهای مکه را کند ترک تلبیه گفتن نمایند یعنی چون نظر بر خانهای مکه کند دیگر تلبیه نگوید و مخفی نماند که بر هر کس که نیت احرام میکند لازم است که معنی انچه را نیت میکند بداند و متذکر باشد یعنی در وقتی که نیت میکند که احرام میگیرم در عمره تمتع عمره الاسلام واجب قربة الی الله باید معنی احرام را بداند و همچنین معنی عمره را و معنی عمره تمتع را و عمره الاسلام را و معنی احرام گرفتن در عمره را باید بداند و متذکر شود اما معنی احرام گرفتن این است که حرام میکند بر خود چیزهای چند را که پیش از احرام بر او

ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعَادُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ

حلال بود و ان چیزها بعد ازین مذکور خواهد شد و باید آنچیزها را بر سبیل اجمال متذکر شود و عمره عبارت است از پنج عملی که مذکور شد و عمره تمتع یعنی عمره که از احرام بیرون خواهد آمد و بعد از ان احرام حج خواهد گرفت و عمره اسلام یعنی عمره که بجهة استطاعت بر خود ان شخص واجب شده و معنی احرام در عمره گرفتن ان است که این احرام از برای پنج عمل عمره است اما چیزهائیکه بر محرم حرام است و باید از اینها اجتناب کند بیست و شش چیز است اول صید کردن حیوان صحرائی و خوردن گوشت ان اگرچه کسی که در احرام نباشد آنرا صید کرده باشد و همچنین حرام است اشاره کردن بان بجهة آنکه دیگری او را صید کند و راه نمائی بان و بستن ان و ذبح کردن ان و هرگاه کسی که در احرام باشد حیوان صحرا را ذبح کند میته خواهد بود و فرقی نیست در میان مستانس و وحشی ان و همچنین حرام است برداشتن جوجه و تخم طیور و اما صید کردن حیوان دریائی و خوردن گوشت ان ضرر ندارد دویم جماع کردن خواه با حلال خود باشد یا نه و همچنین حرام است بوسیدن و دست بازی کردن و ملامسه کردن و نگاه بشهوت کردن اگرچه بحلال خود باشد و حرام است عقد کردن زن از برای خود یا دیگری و شاهد عقد شدن و شهادت بر عقد دادن سیم اخراج منی کردن بهر نحوی باشد اگرچه بخیال کردن و استماع صوت باشد چهارم پوشیدن رخت دوخته از برای مردان و اما از برای زن جایز است و همچنین حرام است پوشیدن آنچه بشکل دوخته باشد اگرچه دوخته نباشد مثل زره و کپنک و کلاه نمد و مثل اینها و مثل یا پوچی ضرر ندارد و پوشیدن آن احوط ان است که اگر بند یا تکمه یا پوچی دوخته باشد بگشاید و همچنین احوط ان است که در وقت خوابیدن از لحاف و سایر آنچه دوخته باشد اجتناب کند اما بر خود افکندن گلیم و فرش و سایر انچه دوخته نیست ضرر ندارد و جایز است از برای محرم بستن همیان و کیسه پول بر کمر خود با وجود آنکه دوخته است و همچنین جایز است پیچیدن شال و مثل ان بر کمر و احوط ان است که گره نزند پنجم بوی خوش مانند مشک و عنبر و گلاب و عود و صندل و کافور و زعفران و گل و یاسمین و روغنهای خوشبو و امثال اینها و حرام است بوئیدن آن و خوردن و پوشیدن جامه خوشبو و نشستن بر فرش خوشبو و خوابیدن بر ان بلی هرگاه جامه خوشبو را شسته تا بوی ان بالکلیه زایل شود پوشیدن یا بر ان نشستن یا خوابیدن ضرر نخواهد داشت و هرگاه بوی خوش برخت محرم برسد باید که کسی را که محرم نباشد امر کند که ازاله نماید یا خود با آلتی ازاله نماید و احوط ان است که اجتناب شود از بوی سیب و به و نارنج و لیمو و سایر فواکهی که بوی خوش دارند و از بنفشه و ریحان و امثال اینها و هرگاه کسی

و همچنین احوط اجتناب است از بوی گیاههائی که بوی خوش دارند

عبور کند از مکانیکه بوی خوش در انجا بیاشد باید بینی خود را بگیرد و بوی ادویه طعام مانند هیل و زیره و دارچینی ظاهر ان است که ضرر نداشته باشد اگرچه احتیاط کردن بدنیست از غیر زیره و همچنین ظاهر ان است که بوی خوش که در بازار صفا و مروه یافت میشود و در حین سعی بدماغ میرسد ضرر ندارد و اگرچه ممکن باشد بینی گرفتن و جایز است شنیدن بوی خوشی که بر جامه کعبه میمالند و همچنین جایز است اذخر که گیاهی است که مستحب است خائیدن ان در وقت دخول حرم ضرر ندارد ششم سرمه سیاه در چشم کشیدن یا دوائی که در ان بوی خوش باشد اگرچه سیاه نباشد و بچشم کشیدن دوائی که سیاه نباشد و بوی خوش در ان نباشد ضرر ندارد هفتم نگاه در آینه کردن هشتم پوشیدن چیزیکه جمیع پشت پا را بپوشاند مانند چکمه و جوراب و کفش و پوشانیدن بعضی از پشت پا ضرر ندارد و همچنین پوشیدن نعلین جایز است و هرگاه کسی نعلین نداشته باشد و مضطر باشد جایز است که چکمه بپوشد و احوط ان است که چکمه را بشکافد بنحویکه پشت پا را نپوشاند نهم پوشیدن سر بکلاه و عمامه و مثل اینها و احوط اجتناب است از پوشیدن سر بحنا و گل و طبق و زنبیل و آنچه سر را بپوشاند و پوشیدن سر با آب مانعی ندارد اگرچه احوط اجتناب است در غیر حالت مسح و حرام بودن مختص بجمیع سر نیست بلکه حرام است پوشانیدن بعضی از سر اگرچه قلیل باشد و پوشانیدن گوشها نیز حرام است و گذاردن سر بر چیزی مانند بالین و متکا و مثل اینها در وقت تکیه کردن و خوابیدن ضرر ندارد و اگرچه بعضی از سر پوشیده شود و هرگاه از راه فراموشی چیزی بسر کرد باید دفعتا انرا بیندازد و سنت است که بعد از انداختن تلبیه تجدید کند و مخفی نماند که این حکم مختص بمردان است اما زنان جایز است از برای ایشان پوشیدن سر دهم سر را در آب فرو بردن یا ریختن بر سر مانعی ندارد یازدهم پوشیدن روی از برای زنان و جایز است که جامه را بسر بیندازد بنحویکه بر رو نچسبد چنانکه متعارف که در پیش سر چیزی از چوب یا لیف خرما یا مقوی نصب می کنند و روی انجامه بیاویزند که بروی نچسبد و احوط اجتناب است از پوشیدن رو بدست نیز و هرگاه بر روی بخوابد بطوریکه روی او بر زمین باشد مانعی ندارد و چنانکه دانستی این حکم مختص بزنان است و از برای مردان جایز است پوشانیدن رو بلی از برای مرد احوط انست که هرگاه رو را بپوشاند بکفاره یکمشتی اطعام کند دوازدهم انگشتر در دست کردن بجهت زینت سیزدهم اظهار کردن زنان طلا الات را اگر که پوشیده از مردان یا پوشیدن طلا آلات بقصد زینت اگرچه طلا الاتی باشد که عادت ایشان باشد پوشیدن اینها

ولکن بدنیست بینی گرفتن

واحوط آنست که اجتناب کنند از پوشیدن طلا الا آنکه معتاد ایشان نباشد مطلقا اگرچه اظهار آنها نکنند
چهاردهم روغن بر بدن مالیدن خواه خوشبو باشد یا نباشد و خوردن روغنی که در آن عطری نباشد مانعی
ندارد و باید اجتناب شود از روغن خوشبو بر بدن مالیدن قبل از احرام بستن نیز در آنقدر زمان که بدانم
که بوی آن در وقت احرام باقی خواهد بود پانزدهم مو از سر و ریش و سایر بدن جدا کردن یا چیدن و کندن
یا تراشیدن یا نوره گذاشتن یا غیر اینها واحوط آنست که اجتناب شود در وقت وضو و غسل از
تخلیل ریش که مبادا موئی از آن جدا شود واحوط آنست که شانه نیز نکند و همچنین حرام است که کسی که
محرم است سر دیگری را بتراشد خواه آن شخص در احرام باشد یا نه شانزدهم زیر سایه چیزی بودن در وقت راه
رفتن بنحویکه آن چیز در بالای سر باشد مثل کجاوه که سقف داشته باشد و اگر بعضی از آن سقف داشته باشد
باید از نشستن در زیر آن بعض اجتناب کرد مثل کجاوهائی که معروفست بکجاوه شامی که قدر قلیلی سقف دارد
در روی آن کجاوه پوش میاندازند پس باید بعد از برداشتن کجاوه پوش در همان قدر سقفی که در بالای آنست
اجتناب کرد و در وقت پائین آمدن در مکانیکه نزول شود در زیر سایه بودن ضرر ندارد و اگرچه بسیاری
از علما از برای پیاده تجویز کرده اند که در زیر سایه راه برود و اظهر در نظر حقیر نیز این است اما احوط آنست
که پیاده نیز در وقت راه رفتن اجتناب کند از زیر سایه بودن و همچنین جمعی از علما تصریح کرده اند که حرام بودن
در صورتیست که آن چیز در بالای سر باشد پس هرگاه چیزی در پهلو باشد و سایه آن بیفتد ضرر ندارد و بهتر آنست
که عمدا بخصوص سایه بودن کسی چیزی بپهلوی خود قرار ندهد که در سایه آن راه رود و مخفی نماناد که این حکم
نیز مخصوص بمردانست پس از برای زنان ضرر ندارد در کجاوه و محمل نشستن با وجود سقف هفدهم کشتن
کیک و شپش و امثال آن از جانورانی که در بدن انسان میباشد خواه در بدن باشد یا جامه و انداختن
آنها از بدن و جامه نیز حرام است و نقل کردن از مکانی از بدن بمکانی دیگر از بدن ضرر ندارد و شرطی که
بجائی نباشد که مظنه افتادن آنها باشد هجدهم خضاب بستن بقصد زینت واحوط اجتناب است از آن قبل
از احرام بقدریکه مظنه بقاء رنگ آن تا وقت احرام باشد نوزدهم ناخن چیدن بیستم خون از بدن بیرون
آوردن اگرچه بمسواک و خارانیدن باشد و اگرچه نظر بادله در نظر حقیر حرام نبودن خون از بدن بیرون آوردن
اظهر است اما از بابت احتیاط اجتناب از آن اولیتر است و از آنچه در ضمن محرمات مذکور شد بیست یکم

دروغ

دروغ گفتن و باید اجتناب کرد از مفاخرت کردن و دشنام دادن نیز بیست و دویم قسم خوردن بلا والله و
بلی والله خواه راست باشد و خواه دروغ واحوط اجتنابست از هر صیغه که قسم بخدا باشد بیست و سیم کندن درخت
و گیاهی که در حرم باشد مگر درخت میوه و گیاه اذخر بدانکه کندن درخت و گیاه حرم بر همه کس حرام است خواه
در احرام باشد یا نه و چونکه بر محرم نیز حرام بود در اینجا ذکر شد بیست چهارم غسل دادن و حنوط کردن میتی که در
احرام مرده باشد بکافور بیست و پنجم دماغ را از بوی بد گرفتن بیست و ششم سلاح پوشیدن و این بیست و شش
امر بر کسی که در احرام باشد حرام است مگر در حالت اضطرار که لابد باشد که یکی از اینها را یا بیشتر مرتکب شود مثل
اینکه هرگاه آنها را مرتکب نشود تشویش مظنه اذیت بدنی باشد و امثال آن که در این حال میتواند مرتکب شود
و باید کفاره بدهد بتفصیلی که مذکور خواهد شد و مکروه است از برای کسی که در احرام باشد چند چیز اول آنکه جامه
رنگ شده احرام ببندد دویم در جامه چرکین احرام ببندد سیم حمام رفتن چهارم مشت و مال کردن پنجم
در جواب کسیکه صدا بزند لبیک گفتن و سنت است که یا سعد جواب بگوید و مخفی نماند که بیست و شش امریکه
بر محرم حرام است هرگاه کسی مرتکب یکی از اینها شود خالی از این نیست که یا عمدا مرتکب شده و یا از راه
ندانستگی و جهل مسئله یا از راه سهو و فراموشی یا از راه اضطرار و ناچاری پس اگر عمدا مرتکب شده
باشد یا از راه جهل آثم و گناهکار خواهد بود و هرگاه سهوا یا اضطرارا باشد گناه نکرده خواهد بود اما کفاره
پس اگر از راه ندانستگی مسئله یا سهوا مرتکب شده باشد در هیچیک از آنها کفاره لازم نیست و عمره
و حج صحیح است مگر در اول یعنی در صید حیوان صحرائی که کفاره واجب میشود با وجود جهل یا سهو اما حج فاسد نیست بلکه
صحیح است چونکه بسیار نادر اتفاق میافتد که حاج خصوصا فارسی زبانان در احرام مرتکب صید شوند تفصیل کفاره
صید در این رساله ذکر نشد و اگر از اعمدا یا اضطرارا مرتکب شده باشد پس در بعضی از آنها باید کفاره داده شود
و عمره یا حج هم فاسد است باید قضا شود در سال دیگر و در بعضی دیگر باید کفاره داده شود اما عمره یا حج فاسد نیست
و در بعضی دیگر نه باید کفاره داد و نه عمره یا حج فاسد است اما آن بعضی که باید کفاره داد و عمره یا حج هم
فاسد است بجز اینست و آن بعضی از شقوق دویم است یعنی جماع کردن هرگاه پیش از سعی صفا و مروه باشد در احرام
عمره و پیش از وقوف مشعر باشد در احرام حج پس اگر کسی جماع کند در فرج یا دبر زن یا متعه یا کنیز خود با وجود علم بمسئله
و از راه سهو نباشد و پیش از سعی کردن باشد عمره او باطل است هرگاه در احرام عمره باشد باید بجهت کفاره یک شتر

بکشد و باید عمره را از سر بگیرد و هرگاه بعد از سعی باشد عمره فاسد نیست و باید همان شتر را بکشد و هرگاه در احرام حج باشد
پس هرگاه جماع پیش از وقوف مشعر باشد حج فاسد است و باید همین حج را تمام کند و یک شتر بجهة کفاره بکشد و سال
دیگر حج را قضا کند و هرگاه بعد از وقوف مشعر باشد حج فاسد نیست و قضا واجب نیست و باید یک شتر بکشد و اما غیر از
جماع از شقوق دویم باعث بطلان عمره و حج نیست و هرجا که مذکور خواهد شد اما آن بعضی که کفاره باید در انها
داده شود در حج و عمره فاسد نیست چهارده است اول بعضی از شقوق دویم و آن در صورتیست که جماع در غیر قبل
و دبر شده باشد که در اینصورت باید یک شتر بجهة کفاره کشت و قضا لازم نیست خواه انزال شده باشد یا نشده باشد
و هرگاه نظر بزن اجنبیه کند و انزال شود حج و عمره صحیح است و باید کفاره یک شتر یا یک گاو بکشد هرگاه مالدار باشد
و یک گوسفند بکشد هرگاه فقیر باشد و هرگاه نگاه بزن خود کند بشهوت و انزال شود باید یک شتر بکشد هرگاه دست
ببدن زن خود برساند بشهوة باید یک گوسفند بکشد اگرچه انزال نشود و هرگاه ببوسد زن خود را بدون شهوت
باید یک گوسفند ذبح کند و اگر با شهوت باشد باید یک شتر بکشد دویم استمناست و کفاره آن یک شترست و حج و
قضاء عمره یا حج نیز هست سیم پوشیدن رخت دوخته است و کفاره آن یک گوسفند است از برای هر رختی
پس هرگاه رخت متعدد بپوشد باید از برای هر رختی گوسفندی بکشد و ظاهر آنست که این تعدد کفاره در صورتی
باشد که رختهای متعدد از یکجنس نباشد مثل اینکه قبا و ارخالق و پیراهن و زیر جامه را بپوشد که در اینصورت باید چهار
گوسفند ذبح کند و هرگاه از یکجنس باشد مثل اینکه دو قبا باشد یک کفاره کافی است بلی هرگاه کلاه بسر کرد ظاهر آنست
که باید دو گوسفند بکشد یکی بجهة پوشیدن سر و یکی بجهت پوشیدن رخت دوخته و هرگاه و یک رخت را بیرون کند و دو
باره بپوشد ظاهر آنست که کفاره بناید زیاد شود چهارم استعمال بوی خوش یا خوردن آن و کفاره آن یک گوسفند
است پنجم پوشیدن چیزی که جمیع پشت پا را بپوشاند و کفاره آن نیز یک گوسفند است ششم سر را پوشانیدن
و کفاره آن نیز یک گوسفند است و هرگاه عمامه از سر بیفتد ببر کند بستن آن کفاره دیگر لازم نمی شود هفتم سر را بفرو
بردن و کفاره آن نیز مانند سابق است هشتم پوشانیدن زن روی خود را بنا بر احوط و کفاره آن هرگاه کسی
احتیاط کند و بدهد یک گوسفند است نهم انگشتر دست کردن بقصد زینت بنا بر احوط و کفاره آن نیز یک گوسفند است
دهم سر تراشیدن خواه همه آن یا بعضی از آن و کفاره آن یک گوسفند است یا سه روز روزه یا اطعام ده مسکین و هرگاه
دست بر سر یا ریش بکشد و از آن موئی جدا شود یک کف طعام کفاره آن است مگر در حالت وضو یا غسل و هرگاه

سوال از میرزا سلیمان
بفرمایند که چون فتوی و رای جناب مؤلف آنست
که استمنا در حین احرام حج و عمره موجب قضای
حج میشود علی سبیل الاحتیاط فتوای شما بر چه جهت
جواب استمنا با نزول منی در حال احرام حج
قبل از وقوف مشعر حرام است و موجب بدنه
[illegible] و حج [illegible] و لزوم حج در
سال بعد [illegible] و خلاف است و اشبه عدم
فساد حج و عدم لزوم حج است در سال بعد
اگرچه احوط فساد است و لزوم حج در سال بعد
نظر بروایة عبدالرحمن بن الحجاج و لکن نظر بضعف
[illegible] حکم نمی شود

[illegible]

هر دو زیر بغل را بتراشد یا یکی را یک گوسفند بکشد یازدهم زیر سایه بودن در وقت راه رفتن و کفاره آن یک گوسفند
است دوازدهم ناخن چیدن و کفاره هر یک از ناخن یک مد طعام است و در گرفتن ناخنهای دست و پا مجموع در یک
مجلس یک گوسفند است و همچنین در گرفتن ناخنهای یکی از دست و پا سیزدهم قسم خوردن و در سه قسم دروغ خوردن
یک شتر باید کشت و در دو دروغ یک گاو و در یک دروغ یک گوسفند و در سه قسم راست نیز باید یک گوسفند کشت و قسم
راست در کمتر از سه بار کفاره نیست چهاردهم درکندن درخت بنا بر احتیاط و کفاره کشتن یک گاو است در کندن
درخت بزرگ و یک گوسفند است در کندن درخت کوچک و قیمت درخت است در بریدن شاخ آن و در کندن گیاه کفاره
بغیر از استغفار نیست و اما آن بعضی که نه کفاره دارد و نه باعث فساد حج میشود پس باقی محرمات است یعنی غیر از آن
مذکور شد که باعث فساد حج و کفاره یا باعث وجوب کفاره تنها میشود بقیه دیگر نه موجب فساد حج میشود و نه در ارتکاب
انها کفاره واجب میشود و در اینجا پنج مسئله است که باید اشاره بانها شود مسئله اول و النتی که در حالت ضرورت بحج
بر کسی که احرام کرده است حرام است جایز است ارتکاب آن و باید کفاره بدهد پس جایز است پوشانیدن سر سلامت
از برای کسی که هرگاه سر را نپوشاند اذیت باو برسد و همچنین رخت پوشیدن و در زیر سایه راه رفتن و سر را تراشیدن
و غیر اینها مسئله دویم مراد از حالت ضرورت وقتی است که آدمی یقین داشته باشد یا ظن غالب بر اینکه
هرگاه از آن مرتکب نشود باعث اذیت آن میشود یعنی ناخوشی بان میرسد یا مشقت شدیدی که متحمل شدن
آن بسیار دشوار باشد هرگاه احتمال اذیت بدهد نمی تواند مرتکب شود و هرگاه در اثنای معلوم شود که اذیت میرساند
جایز است که مرتکب شود و کفاره بدهد مسئله سیم گوسفند یا شتر یا گاوی که بجهة کفاره کشته میشود هرگاه کفاره
چیزی باشد که در احرام عمره بعمل آورده است باید در مکه کشته شود و هرگاه کفاره چیزی باشد که در احرام حج
عمل آورده است باید در منی کشته شود مسئله چهارم هرگاه کسی چیزی از محرمات را مرتکب شود که باید کفاره بدهد
پس اگر در یک احرام مرتکب شود یعنی در احرام عمره تنها یا در احرام حج تنها باید یک کفاره بدهد و هرگاه در هر دو
احرام مرتکب شود ظاهر آنست که باید دو کفاره بدهد مثلا هرگاه کسی سر را بپوشاند در احرام عمره تمتع یک گوسفند
باید بکشد در مکه اما هرگاه در احرام عمره و حج هر دو سر را بپوشاند دو گوسفند باید بکشد یکی در مکه و یکی در منی و هم
چنین است غیر این مسئله پنجم بدانکه چونکه طهارت از حدث و خبث شرط احرام نیست پس جنب و زن حایض می
تواند احرام بگیرد و احرام بستن از انها ساقط نیست بلی هرگاه اراده مدینه بروند و در مسجد شجره احرام ببندد چون

که مکث کردن حایض و جنب در مسجد حرام است باید چون داخل مسجد شجره شوند توقف نکنند بلکه در حین راه رفتن
نیت احرام کنند و بدون مکث و توقف تلبیه گویان بیرون روند و همچنین از حایض نماز که از برای احرام بستن سنت
بود ساقط است و نباید بکند **فصل دویم** در طواف خانه که عمل دویم است از اعمال عمره تمتع و در مقدمات آن و چون که
از مقدمات آن داخل شدن حرم و مکه و مسجد الحرام است و از برای دخول حرم و مکه و مسجد شرایطی است که سنت است
بعمل آوردن آنها پس اول بیان آنها میشود و بعد از آن بیان طواف و احکام آن میشود و بدانکه ابتدای حرم از هر جهتی
از میلهای سفید است که از برای علامت حرم نصب کرده اند و حد حرم از هر راهی که بمکه عبور میشود همان دو میل
سفید است پس چون محرم بنزدیک آن میلها برسد که ابتدای حرم است سنت است که پیش از دخول حرم غسل کند و نیت
چنین کند که غسل میکنم از جهت دخول حرم قربة الی الله و نعلین خود را بدست گیرد و پای برهنه در نهایت خضوع و خشوع
و عجز و انکسار و طمأنینه و وقار داخل حرم شود و سنت است که در وقت دخول حرم قدری اذخر بخاید که دهان او
خوشبو شود و بعد از آن برود تا بمکه رسد و چون نظر او بخانهای مکه افتد واجب است که تلبیه را قطع کند و سنت است که
از برای دخول مکه نیز پا برهنه گردد و پای برهنه با خضوع و شکستگی داخل مکه شود و چون داخل مکه شود بمنزل خود
برود و غسل کند از برای داخل شدن مسجد الحرام و روانه مسجد شود و باید پای برهنه داخل شود و در وقتی که داخل مسجد
الحرام میشود باید خضوع و سکینه و وقار او زیادتر باشد و بدانکه سنت است که از در بنی شیبه داخل مسجد شود و بجهة آنکه
مسجد را از آنچه در زمان پیغمبر بود زیاد کرده اند این در درین زمان معلوم نیست ولیکن محاذی دریست که امروز
معروف است بباب السلام پس سنت است که از باب السلام داخل شود و راست برود تا از ستونها بگذرد تا مرور
از در بنی شیبه کرده باشد و سنت است که چون بدر مسجد الحرام رسد بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی
و رحمة الله و برکاته بسم الله و بالله و ما شاء الله و السلام علی انبیاء الله و رسله و السلام علی رسول الله
و السلام علی ابراهیم و الحمد لله رب العالمین و سنت است که هر گاه ممکن باشد این دعا را بخواند بسم الله
و بالله و من الله و الی الله و ما شاء الله و علی ملة رسول الله و خیر الاسماء لله و الحمد لله و السلام
علی رسول الله السلام علی محمد بن عبد الله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علی
انبیاء الله و رسله السلام علی ابراهیم خلیل الرحمن السلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد

توضیح [illegible]

ادعیه رسیدن در مسجد الحرام و کیفیت دخول

وارحم محمداً و آل محمد کما صلیت و بارکت و رحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم
صل علی محمد عبدک و رسولک و علی ابراهیم خلیلک و علی انبیائک و رسلک و سلم علیهم
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین اللهم افتح لی ابواب رحمتک و استعملنی فی طاعتک
و مرضاتک و احفظنی بحفظ الایمان ابداً ما ابقیتنی جل ثناء وجهک الحمد لله الذی جعلنی
من وفده و زواره و جعلنی ممن یعمر مساجده و جعلنی ممن یناجیه اللهم انی عبدک و زائرک
فی بیتک و علی کل مأتی حق لمن اتاه و زاره و انت خیر مأتی و اکرم مزور فاسئلک یا الله یا رحمن
و بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و بانک واحد احد صمد لم تلد و لم
تولد و لم یکن لک کفواً احد و ان محمداً عبدک و رسولک صلی الله علیه و علی اهل بیته یا
جواد یا ماجد یا جبار یا کریم اسئلک ان تجعل تحفتک ایای من زیارتی ایاک ان تعطینی فکاک
رقبتی من النار سه مرتبه بگوید اللهم فک رقبتی من النار بعد از آن بگوید و اوسع علی من رزقک
الحلال الطیب و ادرأ عنی شر شیاطین الجن و الانس و شر فسقة العرب و العجم و بعد از آن داخل
مسجد شود و چون داخل شود دستها را بردارد باسمان و رو بخانه کعبه کند و بگوید اللهم انی اسئلک فی
مقامی هذا فی اول مناسکی ان تقبل توبتی و ان تجاوز عن خطیئتی و تضع عنی وزری الحمد لله
الذی بلغنی بیته الحرام اللهم انی اشهد ان هذا بیتک الحرام الذی جعلته مثابة
للناس و امناً مبارکاً و هدی للعالمین اللهم ان العبد عبدک و البلد بلدک و البیت بیتک
جئت اطلب رحمتک و اؤم طاعتک مطیعاً لامرک راضیاً بقدرک و اسئلک مسئلة الفقیر
الیک الخائف لعقوبتک اللهم افتح لی ابواب رحمتک و استعملنی بطاعتک و مرضاتک و سنت است
که بعد از دخول مسجد الحرام دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آورد و هر که همه این ادعیه را ممکن نباشد بجا آورد بهر قدر
که خواهد اکتفا کند و بعد از آن بتانی و شکستگی روانه شود بجانب خانه بجهة طواف کردن و پیش از شروع در طواف
چند امر سنت است **اول** آنکه برود نزدیک حجر الاسود و دستهای خود را بردارد و حمد و ثنای الهی بعمل آورد و صلوات
بر حضرت رسالت پناهی فرستد و بگوید اللهم تقبل منی **دویم** آنکه حجر الاسود را ببوسد و اگر بوسیدن
نتواند دست خود را بران بمالد و اگر آن نیز ممکن نباشد بدست اشاره کند **سیم** آنکه هر گاه ممکن شود بعد از بوسیدن

باشارت کردن اینده عاراً بخواند اللهم امانتی ادیتها ومیثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافات
اللهم تصدیقا بکتابک وعلی سنت نبیک اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
وان محمدا عبده ورسوله امنت بالله وکفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزی وعبادة
الشیطان وعبادت کل ند یدعی من دون الله وبعد از ان شروع در طواف کند وواجب است که
از جنابت وحیض ونفاس خالی باشد پس هرگاه جنب یا حایض یا نفسا طواف کند طواف ان باطل است
باید سعی کند که وضو را صحیح بجا آورد که اگر غلط کرده باشد طواف بی صورت
و باید با وضو باشد وهرگاه کسی بی وضو طواف کند طواف او بی صورت است وطواف که بی صورت باشد حج فاسد
خواهد بود وباید که جامه یا بدن او نجس نباشد که اگر یکی از اینها نجس باشد وعلم داشته باشد طواف او بی صورت است
بنابر اقوی اگرچه نجاستی باشد که در نماز معفو است مثل خونی که کمتر از درهم بغلی باشد وهرگاه در اثنای طواف
نجاست جامه یا بدن او بر او معلوم شود باید ازاله ازاله کند وطواف را تمام کند واگر بعد از تمام
شدن طواف بر او معلوم شود که جامه یا بدن او نجس بوده طواف او صحیح است وباید که بعد از وضو وطهارت
بنزد حجر الاسود رود بنحوی که باید محاذی حجر ایستاد بنحوی که مذکور خواهد شد بایستد وبعد از ان نیت کند که
هفت شوط طواف عمره اسلام عمره تمتع میکنم اصالة واجب قربة الی الله وهرگاه نایب باشد بجای اصالة
بگوید بجهة آنکه بر من واجب است بنیابت فلان کس قربة الی الله وباید معنی اینها را متذکر باشد در وقت نیت
واما در خصوص برابر حجر ایستادن پس جمعی از علمای متاخرین گفته اند که باید بنحوی بایستد که جزو اول بدن
او محاذی جزو اول حجر باشد واظهر در نزد حقیر همچنانکه والد ماجد طاب ثراه در مناسک کبیر که مسمی است بانیس
الحجاج اختیار فرموده است ان است که باید بنحوی بایستد که جانب چپ او بسمت حجر الاسود باشد ودر عرف
بگویند که او از حجر الاسود پیشتر یا پست تر نه ایستاده است بلکه محاذی وبرابر حجر الاسود ایستاده است وابتدای
طواف از حجر الاسود کرده است همین قدر کافیست وهرگاه احتیاط کند وباین نحو بایستد که یقین کند که
انگشتان پاها وبینی از حجر الاسود پیش وپس نیستند ومقابل حجر اند اگرچه مقابل جزو اول نباشد بهتر است
بلی احتیاط ان است که بنحویکه جمعی از متاخرین گفته اند بایستد یعنی بنحویکه در ابتدای طواف جزو اول بدن
مثل انگشتان بزرگ پاها ودر اکثر مردم یا بینی در بعضی مقابل جزو اول حجر الاسود باشد وحتما الممکن باید این را مراعات
نمود وچونکه بنحوی ایستادن که اینها دیدن وملاحظه کردن یقین شود که انگشت بزرگ پا یا بینی برابر جزو اول

حجر الاسود

حجر الاسود است اشکال دارد خصوصا با وجود ازدحام وجمعیت مردم علاوه بر ان محل تقیه هم هست
چند طریق قرار داده شده است که هر یکی از اینها را بعمل آورد یقین هم میرسد که اول جزو بدن او برابر جزو
اول حجر الاسود شده است واسان تر از همه طرق وخواطر جمع تر ان است که اندکی از حجر الاسود پس تر
بایستد یعنی بسمت رکن یمانی نزدیک تر شود واین را از باب مقدمه قرار بدهد وتوضیح این کلام ان است
که حجر الاسود در رکن عراقی نصب است وان رکنی است که در برابر ان چاه زمزم است وهرگاه کسی
همین رکن را یا حجر الاسود را در دست چپ خود قرار بدهد ورو بچاه زمزم بایستد همان رکنی که در عقب او
واقع میشود رکن یمانی است پس طریقه ان است که باید نزد حجر الاسود دست چپ را بحجر الاسود
کرده رو بسمت چاه زمزم وبقدر بسیار قلیلی از حجر الاسود پس ایستاد یعنی بنحوی ایستاد که حجر الاسود
بچاه نزدیک تر باشد از ان شخص وان شخص برکن یمانی نزدیکتر باشد از حجر الاسود وباید همین قدر پس ایستاد
که یقین حاصل شود که انگشتان بزرگ پاها وبینی وسایر اعضا از همه اجزاء حجر الاسود پست تر اند وهمین
قدر پست بودن کافی است ونباید زیاد از حجر دور شد وباید قصد کرد که این پست تر ایستادن از باب
مقدمه است نه جزو طواف یعنی این پست ایستادن بجهة ان است که یقین حاصل شود که در وقت طواف
جزو اول بدن محاذی جزو اول حجر شده است ودر اینصورت باید بعد از انکه باین نحو بایستد نیت طواف
بکند وراه افتد ونیت را متذکر باشد ونیت در قلب او باشد تا همه بدن محاذی حجر شود که در وقت که
جزو اول بدن او بجزو اول حجر میرسد نیت در قلب او باشد وخلاصه مطلب انکه باید قصد او این باشد که
این پس ایستادن داخل طواف نیست بلکه باید در قصد این باشد که از باب مقدمه است ونیت طواف
هم در انوقت باید بکند وباز متذکر نیت باشد تا وقتی که همه بدن او عرفا برابر حجر رسد باز نیت را نحو
مذکور در دل داشته باشد واین طریق از همه طریقها اسهل واحوط است ویک طریق دیگر ان است که جانب
چپ را بحجر کند ودر ابتدا جزو اول بدن را مقابل جزو اول حجر کند وحجر را از سایر اجزای بدن پیش نداند
اما جزو اول را نه پیش از جزو اول حجر ونه پس تر از ان بدارد ونیت کند ومقارن نیت روانه شود
چونکه مقابل نمودن با وجود ازدحام بسیار وتقیه اشکالی دارد باید سعی نمود که اول در زمین علامتی پیدا
نمود که برابر جزو اول حجر باشد بعد جزو اول بدن که انگشتان بزرگ پا است بر ان گذاشت ونیت

گرد و روانه شد و بعضی از معلمین مکه مکانی را معین کرده بودند و از مقابل جزو اول حجر میدانستند و مردم را
امر میکردند که انگشتان پا را بران گذارند تا در سال هزار و یکصد و هشتاد و هشت از هجرت که محقق
مدقق والد ماجد طاب ثراه بزیارت بیت الله مشرف گردیدند ملاحظه فرموده اند و دیدند که معلمین اشتباه
کرده اند و خود مکانی دیگر معین فرموده اند و جمعی کثیر ملاحظه کردند آنچه ایشان فرموده اند مطابق واقع بود
و در این سال که سنه یکهزار و دویست و ده است حقیر بزیارت بیت الله مشرف شد بجهة عدم وسعت
وقت در اول هر چند تحقیق این مطلب بدقت و پیمودن ممکن نشد اما بملاحظه و تخمین معلوم شد که آنچه
فرموده اند مطابق واقع و نفس الامر است لهذا بجهة تعیین امکان عبارت ایشان را از مناسک مکیه
در اینجا ذکر میکنیم تا واضح باشد فرموده اند که آنچه میان بعضی از معلمین مکه که خالی از تدبر اند شهرت یافته
آن است که دو سنگ که در برابر حجر الاسود در پیش چاه زمزم نصب کرده اند یکی سفید و دیگری سرخ مایل
بزردیست و سفید بزمزم نزدیکتر است از سرخ فاصله میان این دو سنگ برابر جزو اول حجر است و این
محض اشتباه است زیرا که فاصله مذکوره تخمینا بقدر یکقدم و نیم از جزو اول حجر دورتر است و در حقیقت
آن است باین معنی که آن فاصله برکن یمانی نزدیکتر است از جزو اول حجر پس کسی که جزو اول بدن خود را
بران فاصله گذارد هیچیک از اجزاء بدن او بحجر نرسیده خواهد و حقیر مکرر تحقیق نمودم و در حضور جمعی
اعتبار کردم تخمینا یکقدم و نیم بقلیلی کمتر از فاصله مذکوره گذشته برابر جزو اول حجر است پس کسیکه این طریق
عمل کند باید تخمینا یکقدم و نیم از فاصله مذکوره پیشتر آید یعنی بقدر یکقدم و نیم اندکی کمتر از ابتدای سنگ
سفید بگذرد پس نیت کند و روانه شود تمام شد کلام والد ماجد طاب ثراه و بنابراین پس هر گاه بطریق
اول عمل نکند و بطریق دویم عمل کند باید انگشتان بزرگ پا را بمکانی که ایشان فرموده اند بگذارد و نیت
طواف کند و روانه شود و یکطریق دیگر در برابر حجر ایستادن آن است که ابتدای رو برروی حجر بایستد
یعنی روی خود را بخانه کند و دست راست را بسمت چاه زمزم و بنحوی بایستد که انگشت بزرگ پای چپ
او در موضعی که والد ماجد تعیین فرموده اند باشد یعنی در موضعی باشد از سنگ سفید یکقدم و نیم تخمینا
از فاصله مذکوره گذشته باشد تا در برابر اول حجر باشد و نیت کند و مقارن نیت خود را بگرداند یعنی
بعد از رو برروی حجر ایستادن و نیت کردن جانب چپ خود را بخانه کند و جانب راست را بمسجد که دوی

او بگاه زمزم

واجبات طواف

او بگاه زمزم باشد آنگاه روانه شود و بعضی طریق دیگر نیز گفته اند اما این سه طریق از همه بهتر است و باید که
هر یک از این سه طریق که عمل آید بنحوی نمود که نیت با اول طواف مقارن باشد و بهر حال باید بعد از ایستادن
و نیت کردن روانه شد هفت شوط یعنی هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کرد و در طواف غیر از نیت و
چند امر دیگر واجب است که باید آنها را مراعات نمود اول آنکه ابتداء طواف از حجر الاسود بشود همچنانکه دانستی
دویم آنکه هفت شوط را تمام کند بی زیاده و نقصان یعنی باید هفت مرتبه بدور خانه کعبه طواف کند و اگر
عمدا قدری زیاده و کم کند اگرچه بقدر یک گام باشد طواف و باطل است سیم آنکه ختم طواف کند بحجر الاسود یعنی
باید آخر شوط هفتم در حجر الاسود باشد چهارم اینکه در جمیع هفت شوط خانه کعبه در دست چپ باشد و اگر در آن
هفت شود بقدر یک گام رو یا پشت یا جانب راست در سمت خانه کعبه واقع شود طواف باطل است پس در مواضعی
که اگر کسی بخط مستقیم راه رود خانه از دست چپ بیرون رود بلکه در پیش رو یا در عقب سر افتد مثل برابر درهای
حجر اسماعیل که یکی در پهلوی رکن شامی است و یکی در پهلوی رکن مغربی و برابر هر یک از ارکان باید سعی کند که در
آن مواضع بخط مستقیم راه نرود بلکه باید دوش چپ خود را پیش از آنکه مقابل در حجر برسد ملاحظه نماید و در مقابل
خانه نگاه دارد و راه رود تا وقتی که برابر در حجری میرسد که پهلوی رکن شامی است اندکی رو را بسمت حجر میل دهد
دوش چپ را بگرداند که با دوش چپ در مقابل خانه باشد و نگاه بدوش چپ کند که از خانه بیرون نرود و هر جا که
می بیند بیرون میرود دوش چپ را بگرداند بسمت دیوار خانه و وقتی که نزدیک آن در حجر رسد که پهلوی رکن
مغربی است در آن وقت نیز نگاه بدوش چپ کند و رو را بسمت دیوار خانه بدارد و اندکی پشت خود را میل بسمت حجر
اسماعیل دهد و رو را میل بسمت مسجد دهد و ملاحظه کند که دوش در هر وقت میرود از خانه بیرون رود آن را بسمت
خانه بگرداند و همچنین در وقتی که بهر یک از ارکان میرسد باید دوش چپ را متوجه شود و ملاحظه کند که از برابر
دیوار خانه بیرون نرود و هر جا باید اندکی منحرف راه رفت منحرف راه رود بهر حال باید در همه اوقات طرف
چپ خود را متوجه باشد که از خانه بیرون نرود و هر جا که می بیند بیرون خواهد رفت دوش را بسمت خانه بگرداند
و بنحوی راه رود که از خانه بیرون نرود پنجم اینکه حجر اسمعیل را داخل طواف کند یعنی در هر شوطی بر دور آن
نیز طواف کند که طواف در بیرون حجر باشد و حجر در دست چپ باشد و داخل آن نشود پس اگر در شوطی داخل آن شود
باید آن شوط را بر هم زند و از سر بگیرد ششم آنکه مقام ابراهیم را خارج از طواف کند یعنی باید در دست راست

باشد و طواف بر دور آن نکند اگر چه اصل مقام ابراهیم همان سنگی است که معین و معروفست اما احوط آنست
که بنا بر آنکه بیان است نیز خارج از طواف باشد و باید طواف دوری کننده در جمیع اطراف خانه از خانه کعبه زیادتر از
دوری خانه کعبه از مقام ابراهیم نباشد و از مقام ابراهیم یعنی از ابتدای ضریحی که بر دور سنگ است تا دیوار خانه تخمیناً
بیست و سه گام است لهذا باید بیشتر از آنقدر از هیچ طرفی از دیوار خانه یعنی از ابتدای شادروان دور نشود پس بنا بر این
باید در وقتی که طواف کننده مقابل حجر اسماعیل میرسد باید این قدر از حجر دور نشود که دوری او از دیوار خانه زیادتر
از بیست و سه گام شود و نظر بآنکه از ابتدای حجر اسمعیل که عوض دیوار حجر هم داخل باشد تا دیوار خانه تخمیناً شانزده گام
و نیم است لهذا باید در وقت طواف از حجر زیادتر از شش گام دور نشود زیرا که شش گام با مساحت حجر که شانزده گام و
نیم است مساوی دوری مقام است از خانه پس چنانکه شش گام زیادتر دور شود دوری او از خانه بیشتر از دوری مقام از
خانه خواهد بود هفتم آنکه در جمیع هفت شوط جمیع بدن او بیرون از خانه کعبه و حجر اسماعیل باشد پس باید در وقت طواف
دست خود را بدیوار کعبه نرساند تا داخل شادروان شود و همچنین باید دست خود را بر بالای دیوار حجر اسماعیل نگذارد و
اگر سهواً دست خود را بدیوار خانه یا دیوار حجر برساند باید از آنجا حرکت نکند تا دست خود را پیش خود گیرد و اندکی پس رود
و شروع بطواف کند و اگر چنین نکند طواف او باطل است و اینها که مذکور شد از واجبات طواف است که هرگاه
یکی از اینها خلل یابد طواف بی صورت است و هرگاه اینها همه صحیح باشد طواف صحیح است و در آن نقصی نیست و
در حال طواف چند امر دیگر سنت است اول آنکه در حال طواف مشغول ذکر و دعا باشد و هر ذکری خوب است و
سنت است که این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک باسمک الذی یمشی به علی ظلل الماء کما یمشی
به علی جدد الارض و اسئلک باسمک الذی یهتز له ارکان عرشک و اسئلک باسمک الذی
یهتز له اقدام ملائکتک و اسئلک باسمک الذی دعاک به موسی من جانب الطور فاستجبت
له و القیت علیه محبة منک و اسئلک باسمک الذی غفرت به لمحمد صلی الله علیه و آله ما
تقدم من ذنبه و ما تأخر و اتممت علیه نعمتک ان تفعل بی کذا و کذا و حوایج خود را طلب کند که
البته مستجاب میشود و بسیار بگوید اللهم انی الیک فقیر و انی خائف مستجیر فلا تغیر جسمی و لا تبدل
اسمی دویم آنکه چون در حال طواف بدر خانه کعبه رسد بگوید سائلک فقیرک مسکینک ببابک فتصدق
علیه بالجنة اللهم البیت بیتک و الحرم حرمک و العبد عبدک و هذا مقام العائذ بک

المستجیر

سنن اثنای طواف

المستجیر بک من النار فاعتقنی و والدی و اهلی و ولدی و اخوانی المؤمنین من النار یا جواد
یا کریم بعد از آن صلوات بر پیغمبر فرستد سیم آنکه چون بحجر اسماعیل رسد نگاه بناودان طلا کند و بگوید اللهم
ادخلنی الجنة و اجرنی من النار برحمتک و عافنی من السقم و اوسع علی من الرزق الحلال و ادرأ
عنی شر فسقة الجن و الانس و شر فسقة العرب و العجم چهارم آنکه چون بمیان رکن یمانی و حجر الاسود
رسد بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار پنجم چون بحجر الاسود رسد
بگوید اللهم قنعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی و هرگه ممکن نشود همه دعا را بخواند هر قدر که تواند اکتفا کند
ششم آنکه در حین طواف در هر شوطی چون بمقابل هر یک از چهار ارکان یعنی عراقی و شامی و مغربی و یمانی برسد
خصوصاً رکن یمانی و عراقی نزد آن رود و از او تبرک گیرد و ببوسد و دست و رو بر اینها بمالد و باید در وقت رفتن
نزد هر یک از چهار رکن جای خود را نشان کند که چون از بوسیدن ارکان فارغ شود باز بهمان جا برگردد و چنانچه بهمان
جا برنگردد و اندکی پیشتر رود طواف بی صورت است و چنانچه تنگ در آن موضع داشته باشد باید بقدری پس
رود که یقین او حاصل شود که از آن موضع نگذشته است و از برای کسی که تشویش داشته باشد که مبادا از مکان
خود پیش و پس رود بلکه از برای اکثر مردم بهتر آنست که در طواف واجب ارکان رفتن را ترک کند و آن مستحب را
موقوف کند و هرگاه خواهند این فضیلت را دریابند در طواف سنتی بعمل آورند هفتم آنکه در شوط آخر یعنی هفتم
چون بمقابل مستجار رسد در زیر مستجار بایستد و دیوار خانه را در بر گیرد و خود را بآنجا بچسباند و اقرار بهر یک از گناهانی
که کرده است مفصلاً بکند و طلب آمرزش از هر یک از گناهانی که کرده است بکند و اگر بعضی را مفصلاً نداند
بعنوان اجمال اقرار کند و طلب آمرزش نماید البته خدا او را بیامرزد و هر مؤمنی باید در آنجا حاجات خود را طلبد
که البته روا میشود و در آن وقت هرگاه ممکن شود سنت است که این دعا را بخواند اللهم البیت بیتک و العبد
عبدک و هذا مکان العائذ بک من النار اللهم من قبلک الروح و الفرج و العافیة اللهم ان عملی
ضعیف فضاعفه لی و اغفر لی ما اطلعت علیه منی و خفی علی خلقک و استجیر بالله من
النار و در این حال نیز نزد مستجار میرود باید بنحوی که نزد ارکان میرفت موضع خود را نشان کند که پیش و پس نرود و از
برای اکثر مردم بهتر آنست که در نزد مستجار رفتن را نیز در طواف واجبی ترک کنند و در طواف سنتی بجا آورند
در اینجا چند مسئله است که باید بیان شود مسئله اول طواف عمره رکن است پس هرگاه کسی عمداً ترک کند عمره

او باطل است و هرگاه سهوا ترک کند باید قضا کند اگرچه بعد از همه افعال حج باشد و هرگاه از مکه بیرون آمده باشد
و متعسر باشد از برای او برگشتن باید نایب بگیرد **مسئله دویم** هرگاه کسی بعد از فارغ شدن از طواف شک کند
در عدد شوطهای طواف باید التفات بدان شک نکند و طواف صحیح است خواه شک در زیادتی باشد باین
نحو که شک کند که آیا هفت شوط کرده یا بیشتر یا شک در نقصان باشد باین نحو که شک کند که آیا هفت شوط
کرده یا کمتر **مسئله سیم** هرگاه کسی در اثنای طواف شک در عدد اشواط کند پس اگر در طواف سنتی باشد بنا را
بر کمتر میگذارد مطلقا و اگر طواف واجبی باشد پس یا شک در نقصان است یا در زیادتی پس اگر شک در
نقصان باشد باین نحو که نداند که یکشوط کرده است یا دو شوط یا شک کند که دو شوط کرده است یا سه شوط
یا شک کند که سه شوط کرده یا چهار شوط یا شک کند که چهار شوط کرده یا پنج شوط کرده یا شک کند که پنج شوط
کرده یا شش شوط یا شک کند که شش شوط کرده یا هفت شوط در این صورت طواف او باطل است بنابر اقوی و باید
طواف از سر بگیرد و اگر شک در زیاده باشد باین نحو که شک کند که آیا هفت شوط کرده یا هشت شوط در اینصورت طواف
او صحیح است بنا را بر کمتر یعنی هفت میگذارد **مسئله چهارم** هرگاه عمدا طواف را از هفت شوط زیاد کند طواف او
باطل است و باید اعاده کند و هرگاه سهوا زیاد کند اینقدر بر آن زیادتی بیفزاید که آن زیادتی نیز هفت
شوط تمام شود که دو طواف بعمل آید مثلا اگر سهوا هشت کند شش شوط دیگر بر آن بیفزاید و همچنین و در این صورت شوطم
باید چهار رکعت نماز طواف بجا آورده شود و افضل آن است که دو رکعت را بعد از فارغ شدن از طواف
قبل از سعی بکند و دو رکعت را تاخیر اندازد تا بعد از فراغ از سعی بعمل آورد **مسئله پنجم** چونکه صحت طواف موقوف
بطهارت است لهذا هرگاه زن پیش از طواف عمره حایض شود یا وضع حمل او بشود پس اگر داند که اگر صبر کند تا از
حیض و نفاس پاک شود میتواند طواف و سعی را بجا آورد و وقت وقوف عرفات هم نمیگذرد باید صبر کند
تا از حیض و نفاس پاک شود پس طواف و باقی اعمال عمره را بجا آورد و بعد از آن احرام بحج بگیرد و اگر داند که
اگر صبر کند وقت وقوف عرفات میگذرد در این صورت باید عدول بحج افراد کند یعنی هرگاه پیشتر احرام
بعمره گرفته باشد قصد کند که احرامی که بعمره گرفته‌ام از احرام حج افراد قرار دادم واجب قربة الی الله و هرگاه
پیشتر احرام بعمره نگرفته باشد ابتدای احرام بحج افراد بگیرد و نیت چنین کند که احرام بحج افراد میگیرم از جهة آنکه
واجب است قربة الی الله پس بعرفات و مشعر و منی رود و اعمال آنها را بجا آورد و پس بعد از پاک شدن طواف

وباقی اعمال

احکام متعلقه بطواف

وباقی اعمال حج افراد بجا آورد پس بعد از پاک شدن طواف و باقی اعمال حج افراد بجا آورد و بعد از آن عمره
مفرده بطریقی که مذکور شد بکند و مخفی نماند که چون در طواف بعضی مستحبات مذکور شد که عمل بآنها موقوف
بدانستن بعضی مواضع است لهذا این فصل را به بیان آن مواضع ختم میکنیم بدان که رکن عراقی همان رکنی است
که حجر الاسود در آن نصب است و چون طواف کننده که در خانه در دست چپ آن است در حین طواف از آن
بگذرد برکن شامی میرسد و بعد از آن برکن مغربی میرسد و بعد از آن برکن یمانی میرسد و از آنجا باز برکن عراقی
رجوع میکند و واضح تر از این آنکه هرگاه کسی رو بدر خانه کند بایستد آن رکنی که در دست چپ واقع است رکن
عراقیست و آنکه در دست راست واقع است رکن شامی است و هرگاه رو بناودان طلا بایستد آن رکن
که در دست چپ است شامی است و آنکه در دست راست است مغربی و آن رکنی که غیر از این است یمانی
و مستجار نزدیک برکن یمانی است در میان رکن یمانی و مغربی یعنی از رکن مغربی گذشته و برکن یمانی نزدیک شده
مستجار است و دوری آن از رکن یمانی مثل دوری در خانه است از رکن عراقی و آن دوری تخمینا ده بشر و نیم است
و قدری که در خانه از زمین مرتفع است مستجار نیز همان قدر از زمین مرتفع است و آن ارتفاع تخمینا نه بشر است
و بقدر یکه عرض در خانه است که هشت بشر باشد عرض مستجار نیز باینقدر است و سابق در خانه در آنجا بوده
و الحال هم شبیه بدری است که از آن سد نموده باشند و اصل مستجار عبارتست از دو سنگ بزرگ و یک
سنگ کوچک که تخمینا نصف یکی از آن دو سنگ میشود و در انتهای آن که بجانب رکن مغربی است سنگ رخام
[illegible] در زمین نصب نموده اند و هر قدر از دیوار خانه که در زیر مستجار است آنرا ملتزم گویند و آنقدر
از دیوار خانه که مابین در خانه و رکن عراقی است عبارتست از حطیم و مقام ابراهیم سنگی است معروف
و بر فوق آن ضریح چوبی است و این سنگ و ضریح در میان بنا و قبه ایست که مشهور و معروفست و بعضی
مواضع دیگر است که هریک ان شاء الله مذکور خواهد شد و مخفی نماند که معین کردن دوری در خانه و مستجار از رکنها
و عرض و ارتفاع هریک ببشرهای مذکور و همچنین ضبط مستجار به سنگ مذکور از قواعدیست که والد ماجد حقیر
آنرا معین و ضبط فرموده اند و در مناسک کمتر نوشته اند و حقیر متمکن از این نوع تحقیق نشده **فصل سیم** در
نماز طواف که عمل سیم است از اعمال عمره تمتع بدانکه واجب است که بعد از فارغ شدن از طواف دو رکعت
نماز طواف بکند و در این نماز علاوه بر آنچه مراعات آنها در نمازهای دیگر واجب است دو چیز دیگر واجب است

اول اینکه در عقب مقام ابراهیم بکند و مراد از عقب ان هر موضعی است که عرفا از اعقب مقام گویند
پس باید انقدر دور نشود که عرفا نگویند که در عقب مقام نماز کرد و بهتر آن است که در برابر وسط مقام باشد
بنحوی که قفل ضریح مقام رو بقبله او باشد دویم اینکه نیت این نماز را در نماز طواف عمره چنین کند که دو رکعت
نماز طواف عمره اسلام عمره تمتع میکنم از جهة اینکه واجبست قربة الی الله و سنت است که در رکعت
اول بعد از حمد قل هو الله احد بخواند و در رکعت دویم بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند و در اینجا چند مسئله
است که باید اشاره بانها شود مسئله اول هر گاه کسی دو رکعت نماز طواف او را فراموش کند پس در هر وقتی که بخاطر
او بیاید در هر جا که باشد باید برگردد و در عقب مقام ابراهیم نماز را بکند به نیت قضا و هر گاه ممکن نباشد
برگردیدن هر جا که خاطرش اید همانجا نماز را قضا کند مسئله دویم هر گاه کسی عمدا ترک کند دو رکعت را بحدی
نحوی کند که نماز او باطل شود پس عموم بعضی اخبار دلالت میکند که حکم ان نیز مثل حکم کسی است که فراموش
کرده باشد و اگر علما متعرض حکم ان نشده اند و حکم بعضی از مثل ناسی قرار داده اند و نهایت اشکال دارد و بلکه
حکم بصحت حج او نیز کردن اشکال دارد و همچنانکه از کلام بعضی از فحول علما معلوم میشود مسئله سیم هر گاه کسی
جهلا انرا ترک کند یعنی نداند که باید بعد از طواف دو رکعت نماز کرد حکم ان مثل حکم کسی است که فراموش
کرده باشد دو رکعت را مسئله چهارم هر گاه در نماز کسی خلل باشد از جهة اینکه افعال نماز یا وضو را نماند درست
بجا نیاورده باشد مثل اینکه حمد یا سوره یا رکوع یا سجود یا تشهد را درست نداند یا حروف را صحیح از مخارج ادا نکند
یا در اعراب حمد و سوره غلط کند یا وضوی او صحیح نباشد یا امثال اینها نماز او باطل است اما حکم اینکه او
هم مثل کسی است که فراموش کرده باشد اشکال دارد و والد ماجد طاب ثراه در مناسک مکیه فرموده اند
که هر گاه کسی عمدا نماز را ترک کند یا نمازش فاسد باشد بجهة درست نکردن واجبات ان از راه ندانستگی
یا عمدا حج او فاسد خواهد بود و بعلاوه این اشکال لازم خواهد آمد در بیرون امدن ان از احرام و بعضی از فضلا
معاصرین از حکم ایشان بفساد حج نهایت استبعاد و تعجب نموده و فرموده اند که احدی از علما اینکه
نماز طواف نیز از ارکان حج نیست تا ترک ان یا خلل در ان عمدا باعث فساد حج شود و مخفی نماند که هر گاه کسی
بگوید که بفساد نماز طواف حج باطل نیست دور نیست اما استبعاد و تعجب از حکم بفساد بعید است و حال
اینکه کلام بعضی از علما که از انجمله صاحب مدارک است دلالة میکند بر اینکه مشکل است حکم بصحت حج کسی که

سوال از جناب میرزا اسمعیل [illegible] که اگر
شخصی عمدا نماز طواف را ترک کند یا نمازش
فاسد شود بجهة درست نکردن واجبات ان
[illegible]
بجا اورده والله العالم منه بحقایق الاحکام

حکم نماز طواف
در سعی صفا و مروه

نماز عمره و یا حج را عمدا ترک کند و کلام بعضی دیگر که از انجمله صاحب ذخیره است دلالت میکند بر اینکه دور نیست
حکم ببطلان حج همچنین کسی و حکم ببطلان حج در اینصورت بجهة رکن بودن نماز نیست بلکه از راه دیگر است بهر
حال باید سعی بلیغ بعمل آورد در تصحیح واجبات این نماز که حمد و سوره و رکوع و سجود و تشهد و سلام ان درست
باشد و در اعراب غلطی واقع نشود و حروف از مخارج ادا شود و تشدید را ظاهر کند و احتیاطا متصل ادا
کند و همچنین سایر واجبات نماز از طمانینه واجبه وغیره و افعال وضو و مثل انرا درست بجا اورد که هر گاه درست
نباشد حکم بصحت حج خالی از اشکال نیست و کسی که قادر بر تصحیح قرائت نباشد و نتواند قرائت خود را درست کند
علاج منحصر است باینکه این دو رکعت نماز را اقتدا کند بشخصی که عادل باشد و مسائل خود را بطریق شرعی اخذ کرده
باشد و قرائت او صحیح باشد و همچنین باید مسائل نماز را از مجتهد زنده یا کتاب او اخذ کرده باشد و الا باز اشکال
مذکور لازم خواهد امد مسئله پنجم در این نماز اذان و اقامه نیست مسئله ششم مخیر است در این نماز میان جهر و
اخفات یعنی میتواند حمد و سوره را بلند بخواند و میتواند آهسته بخواند مسئله هفتم در وقت تقیه باید این دو رکعت
نماز را دست بسته بجا آورد و باید قنوت را بدون دست بلند کردن خواند و مخفی نماند که سنت است که بعد
از این دو رکعت نماز این دعا را بخواند اللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی بِطَوَاعِیَتِی اِیَّاکَ وَ طَوَاعِیَتِی رَسُولَکَ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَ آلِهِ اللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی اَنْ اَتَعَدّٰی حُدُودَکَ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَ یُحِبُّ رَسُولَکَ وَ
مَلٰئِکَتَکَ وَ عِبَادَکَ الصَّالِحِینَ فصل چهارم در سعی صفا و مروه که عمل چهارم است از اعمال واجبه عمره
تمتع بدانکه بعد از فارغ شدن از دو رکعت نماز طواف واجب است که بصفا و مروه رود و در انجا سعی کند
و پیش از بیرون رفتن از مسجد الحرام بصفا و مروه بجهت سعی سنت است که بنزد حجر الاسود رود و انرا دربر
گیرد و ببوسد و بعد از آن سنت است که بنزد چاه زمزم برود یکدلو آب یا دو دلو آب بکشد قدری را بخورد و
قدری را بر سر و بدن بریزد و در وقت اشامیدن اب سنت است که بگوید اللّٰهم اجعله علما نافعا و رزقا
واسعا و شفاء من کل داء و سقم و سنت است که از دلوی که در سمت حجر الاسود است اب بجهة خوردن و بر خود
ریختن کشیده شود و بعد از ان بجانب صفا رود و سنت است که از دری که مقابل حجر الاسود است بیرون
رود و ان دریست که امروز مشهور است در مکه بباب الصفا و چون بصفا رود بر بالای صفا رود و از انجا
شروع بسعی کند و پیش از شروع کردن در سعی بعضی اداب و ادعیه سنت است که هر گاه کسی را ممکن باشد بجا

متعارف مثل دویدن شتر و گرگ و از برای زنان هروله سنت نیست و آن دو مناره در سمت مسجد الحرام است
از بازار صفا و مروه یعنی کسی که از صفا بمروه میرود در دست چپ واقعند و کسی که از مروه بصفا میرود در دست
راست واقعند و سنت است که در وقت هروله این دعا بخواند بسم الله و بالله و الله اکبر و صلی الله علی
محمد و اهل بیته اللهم اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم و انت الاعز الاکرم و هر گاه کسی هروله را فراموش کند سنت
است که از پشت برگردد تا موضع هروله و از انجا هروله کند سیم انکه در دو طرف مناره بتانی و سکینه دو قدم
راه رود و سنت است که در انوقت این دعا را بخواند یا ذا المن و الفضل و الکرم و النعماء و الجود اغفر لی
ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت چهارم انکه پیاده سعی کند نه سواره و در اینجا چند مسئله است که باید
مذکور شود مسئله اول هر که عمدا سعی را ترک کند حج او باطل است و همچنین هر گاه عمدا از هفت شوط زیاد و یا ترک کند یا
هفت شوط کمتر کند مسئله دویم هر گاه سعی را فراموش کند حج باطل نیست بلکه باید هر وقت که متذکر شود برگردد و سعی را
بکند و هر گاه خود نتواند برگردد باید نایبی بفرستد که بنیابت او سعی کند مسئله سیم هر گاه کسی بعد از فارغ شدن از سعی
یقین کند که از هفت شوط کمتر کرده است باید برگردد و قدر ناقص را بجا اورد و اگرچه از وقت تذکر مدتی هم گذشته
باشد مسئله چهارم هر گاه کسی بعد از فارغ شدن از سعی شک کند که ایا هفت شوط کرده یا کمتر ان شک اعتبار ندارد
و باید بان التفات نکند مسئله پنجم هر گاه کسی شک کند در عدد شوطهای مثل اینکه شک کند که ایا هفتم است یا
ششم یا شک کند که هشتم است یا پنجم و بالجمله شک در نقصان باشد نه در زیادتی باید سعی را از سر بگیرد و هر گاه
شک در زیادتی باشد مثل اینکه اینکه شک کند که ایا هفت شوط است یا زیادتر پس اگر ان زیادتی بنحوی باشد که باعث
شک در ابتدا باشد یعنی منافی ابتدا بصفا نباشد مثل اینکه شک کند میانه هفت و نه بنا را بر هفت میگذارد و سعی
او صحیح است و اگر منافی ابتدا بصفا باشد مثل اینکه شک کند میان هفت و هشت باید سعی را از سر گیرد مسئله ششم
هر گاه کسی سهوا از هفت شوط زیاد کند جایز است که از همانجا قطع کند و برود و زیادتی را حساب نکند و سعی او صحیح است
و جایز است که بران زیادتی انقدر زیاد کند که هفت شوط دیگر تمام شود که مجموع چهارده شوط شود مسئله هفتم هر گاه
کسی در اثنای سعی خسته شود جایز است که قدری بنشیند از جهة استراحت و بعد از ان برخیزد و متوجه شود مسئله هشتم جایز
است سواره سعی کردن و در انوقت باید در مقام هروله مرکب خود را تندتر براند مسئله نهم چون که طهارت شرط سعی
نیست پس هر گاه زنی بعد از طواف و نماز طواف حایض شود حج تمتع ان صحیح است و نباید عدول بافراد کند پس سعی را بکند

در بیان تقصیر

و تقصیر بکند و احرام حج می بندد و بعرفات میرود فصل پنجم در تقصیر که عمل پنجم است از اعمال واجبه عمره
تمتع و بان عمره تمام میشود بدانکه بعد از انکه از سعی فارغ شد واجب است تقصیر کردن یعنی چیدن قدری موی سر یا ریش
یا جای دیگر از بدن یا چیدن بعضی از ناخنها و در این تقصیر سر تراشیدن جایز نیست اگر کسی عمدا سر را بتراشد باید
یک گوسفند ذبح کند و واجب است که در وقت تقصیر نیت کند باین طریق که تقصیر میکنم از جهة محل شدن در احرام
عمره اسلام عمره تمتع از جهة انکه واجب است قربة الی الله و بعد از تقصیر حلال میشود بر او جمیع انچه بسبب احرام بر او حرام
شده بود مگر سر تراشیدن بلی سنت است که رخت دوخته نپوشد و شبیه بمحرمین باشد تا احرام حج بگیرد و این اخر
اعمال عمره است و باین عمل افعال عمره تمام میشود و باید بعد از این احرام حج تمتع ببندد و روانه عرفات شود پس
پس حال باید بیان افعال حج تمتع بشود مقصد دویم در بیان افعال حج تمتع و ما اول بیان کیفیت حج را بر سبیل
اجمال میکنیم بعد تفصیل هر یک را بیان میکنیم پس میگوییم که باید بعد از فارغ شدن از افعال عمره در مکه احرام حج تمتع
ببندد و از انجا روانه عرفات شود و تا غروب افتاب روز عرفه در عرفات بماند و از انجا بیاید بمشعر و شب عید در
انجا بماند تا طلوع افتاب روز عید و در طلوع افتاب از انجا کوچ کند و بیاید بمنی و در روز عید در منی سه عمل بجا آورد
اول رمی جمره عقبه دویم ذبح قربانی سیم سر تراشیدن یا تقصیر کردن و بعد از این یا در همان روز یا روز
دیگر بیاید بمکه و در انجا پنج عمل بجا آورد اول طواف حج دویم دو رکعت نماز ان سیم سعی چهارم طواف نساء
پنجم دو رکعت نماز آن و بعد از ان باز برگردد بمنی و در روز یازدهم و دوازدهم در انجا بماند و در هر روز جمره
را بسنگ ریزه بزند و هر گاه روز سیزدهم نیز در انجا بماند در ان روز نیز سه جمره را بزند و ما در اینجا تفصیل هر یک از احرام
حج و وقوف بعرفات و وقوف بمشعر را در فصلی جدا ذکر میکنیم و امدن بمنی در مرتبه اول با سه عملی که باید در انجا
کرد در فصلی و بکه امدن بمکه را با پنج عملیکه باید در انجا کرد نیز در یک فصل بیان میکنیم و امدن بمنی در مرتبه دویم
از جهة بیتوته ایام تشریق و اعمالی که در انجا باید کرد در یک فصل دیگر پس در اینجا شش فصل است فصل اول در
بیان احرام بستن حج تمتع که اول اعمال واجبه حج تمتع است بدانکه باید بعد از فارغ شدن از اعمال عمره احرام
حج تمتع گرفت و ابتدای وقت ان وقتی است که از اعمال عمره فارغ شود و جایز است تاخیر انداختن تا وقتی
که هر گاه انوقت احرام ببندد وقت رفتن بعرفات منتفی نشود پس تاخیر از انوقت جایز نیست و افضل اوقات ان
که هر گاه ممکن باشد در روز ترویه که هشتم ذی الحجه است این احرام گرفته شود و بهتر این است که بعد از نماز ظهر باشد

آورد و فضیلت بسیار دارد و ما در اینجا بعضی از آنها را ذکر میکنیم که هر که خواهد بجا آورد بدانکه سنت است بعد
از بالا رفتن بصفا که زمانی در آنجا مکث کند و در حدیث است که طول بدهد مکث در صفا را مال او زیاد میشود
و سنت است که در آنجا روی خود در الحجر الاسود کند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و بقدری که تواند نعمتهائی که خدا
باو کرامت فرموده یاد کند پس هفت مرتبه الله اکبر و هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید پس سه مرتبه بگوید که
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس صلوات بر پیغمبر بفرستد و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا هَدَانَا
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَبْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ بعد از آن سه مرتبه بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ بعد از آن سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ پس صد مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید و صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ بعد از آن بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ
وَغَلَبَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا
بَعْدَ الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اَللّٰهُمَّ اَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ
لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ پس خود را و دین خود را و اهل خود را بخدا بسپارد و از برون آنها بخدا سپارد
پس بگوید اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي اَللّٰهُمَّ
اسْتَعْمِلْنِي عَلٰى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّتِهِ وَاَعِذْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ پس سه مرتبه
الله اکبر بگوید و دو مرتبه دیگر دعای استودع الله را تا آخر بخواند پس باز یکمرتبه الله اکبر بگوید و یکمرتبه دیگر
این دعا را بخواند و اگر کسی نتواند همه این ادعیه را بخواند بهر قدر که خواهد اکتفا کند و بعضی ادعیه دیگر نیز
وارد شده است که ذکر همه باعث طول کتاب میشود بهر حال بعد از بالا رفتن بصفا و فارغ شدن از
اعمال مستحبه شروع بسعی کند باین نحو که ابتدا از کوه صفا کند بنحویکه مذکور خواهد شد و از آنجا نیت کند
و روانه کوه مروه شود و برود تا بمروه برسد بجائیکه مذکور میشود و بعد از آن برگردد بصفا و باز از صفا
مروه تا هفت

مروه تا هفت شوط و از صفا بمروه رفتن یک شوط حساب میشود و از مروه بصفا یکشوط دو شوط هفتم بمروه
ختم میشود و از اینجا معلوم شد که در جمیع امور واجبات اول نیت و باید باین نحو نیت کند که هفت شوط سعی میان
صفا و مروه میکنم در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله و باید نیت مقارن حرکت باشد یعنی بعد از نیت
بلا فاصله بسمت مروه روانه شود دویم ابتدا بصفا کردن یعنی ابتدای سعی را از کوه صفا کند و احوط آنست
که پاشنه پا را بپایه اول کوه صفا یعنی آن پایه که بر روی زمین است متصل کند و نیت کند و روانه شود و
بهتر آنست که ابتدا در بالای کوه صفا در پایه چهارم بایستد و نیت کند و بعد از آن بزیر آید و پاشنهای
پا را بپایه اول متصل کند و روانه شود و هر گاه در وقت پائین آمدن نیز متذکر نیت باشد بهتر است سیم
ختم بمروه کردن یعنی آخر سعی باید در رسیدن بمروه باشد و باید بموضعی ختم شود که انگشتان پای او متصل
بمروه شود یعنی بپایه اول مروه و هر گاه بکوه مروه بالا رود ضرر ندارد بلکه دور نیست که بهتر باشد چهارم
آنکه در هر شوطی که از صفا بمروه میرود در وقت رفتن از صفا پاشنهای پا را بکوه صفا متصل کند و در وقت
رسیدن بمروه برود تا جائیکه انگشتان پا متصل بمروه شود یعنی در هر شوطی که از صفا بمروه میرود در وقت
رفتن از صفا از جائی ابتدا کند که در ابتدای سعی از آنجا ابتدا باید کرد و در وقت رسیدن بمروه بجائی برود که ختم
سعی را در آنجا باید کرد و در هر شوطی که از صفا بمروه میرود باید در وقت رفتن از مروه پاشنهای پا را بکوه
مروه بچسباند و از آنجا برود تا انگشتان پا بکوه صفا متصل شود پس بنا باین طریقه سعی باین نحو میشود که در
شوط اول در جائی که مذکور شد نیت کند و برود بمروه تا جائی که انگشتان پا بکوه مروه برسد بعد از آن
برگردد و پاشنهای پا را بکوه مروه متصل کند و روانه صفا شود و برود تا بجائی که انگشتان پا بکوه صفا متصل
شود پس برگردد و پاشنهای پا را بکوه صفا متصل کند و روانه مروه شود و برود تا بموضعی که انگشتان پا بکوه
مروه متصل شود پس باز گردد و پاشنهای پا را بکوه مروه بچسباند و برود تا جائی که انگشتان پا بکوه صفا
متصل شود و همچنین تا هفت شوط تمام شود و باید شوط آخر در مروه ختم شود پنجم آنکه هفت شوط تمام کند پس
باید یکشوط کمتر یا زیادتر نباشد و همچنانکه دانستی از صفا بمروه یکشوط است و از مروه بصفا یکشوط و برای سعی
تا آخر و بدانکه در سعی چند امر سنت است اول آنکه در حال سعی با طهارت و وضو باشد دویم آنکه مرد در مابین
دو مناره که در صفا و مروه واقع شده هروله کند یعنی بنحوی راه رود که حد وسط باشد میان دویدن و راه رفتن

و هرگاه بعد از نماز ظهر نشود بعد از یکی از نمازهای واجبی دیگر و هرگاه آنهم نشود بعد از دو رکعت یا چهار رکعت یا
شش رکعت نماز احرام بنحویکه در احرام عمره مذکور شد و باید این احرام در مکه کرفته شود و افضل مواضع از
مکه از برای این احرام مسجد الحرام است و افضل مواضع مسجد الحرام زیر ناودان است یا مقام ابراهیم و آداب
این احرام از مستحبات و واجبات از پوشیدن دو جامه احرام و شرایط جامه و وجوب تلبیه بعینه مثل آداب
عمره است مگر در نیت که در اینجا در نیت نماز و غسل و جامه پوشیدن و تلبیه گفتن بجای عمره حج میگوید پس بنابر این
طریقه احرام آن است که غسل احرام بکند و نیت چنین کند که غسل احرام حج تمتع میکنم قربة الی الله پس هرگاه وقت
نماز واجبی نباشد نماز احرام را بکند و نیت چنین کند که دو رکعت نماز احرام حج اسلام و حج تمتع میکنم قربة الی الله
پس بیاید بزیر ناودان یا مقام ابراهیم پس هرگاه رخت دوخته پوشیده باشد بیرون کند و دو جامه احرام را
بپوشد و اگر همان دو جامه احرام عمره را پوشیده باشد و بعد از محل شدن از احرام عمره بیرون نکرده باشد
در وقت احرام حج ابنها را لکشاید و بپوشد و در وقت پوشیدن نیت کند باین طریق که دو جامه احرام میپوشم
در حج اسلام حج تمتع از جهة اینکه واجب است قربة الی الله و بعد از آن نیت احرام کند باین طریق که احرام میکنم
و چهار تلبیه میگویم در حج اسلام حج تمتع از جهة اینکه واجب است قربة الی الله و بهتر آن است که بعد از نیت احرام بلا
فاصله آهسته تلبیه را بگوید چون برقطار رسد که از آنجا میگویند هنوز بردم نرسیده باز آهسته بگوید چون بابطح رسد
صدا به تلبیه بلند کند و ابطح موضعی است مشهور از راهی که بعرفات میروند بعد از تمام شدن خانهای مکه باندک
مسافتی بابطح میرسد و مستحب است تلبیه گفتن خصوص در وقت بالا رفتن بر بلندی یا سرازیر شدن و همچنین سایر
اوقاتی که در احرام عمره مذکور شد و باید در اول ظهر روز عرفه قطع تلبیه را بنمود یعنی دیگر تلبیه نباید گفت و سایر
اعمال و آداب مستحبه و مکروهه و واجبه و محرمه و همچنین طریقه گفتن تلبیه و دادن کفاره و سایر متعلقات بنحوی است
که در احرام عمره مذکور شد بعینه و تفاوتی ندارد **فصل دویم** در رفتن بعرفات و وقوف در عرفات که عمل
دویم است از اعمال واجبه حج تمتع بدانکه بعد از احرام حج واجب است بیرون رفتن از مکه بسوی عرفات از
برای وقوف در آنجا از ظهر روز عرفه تا غروب آفتاب و سنت است که هرگاه ممکن شود در روز ترویه یعنی روز
هشتم از مکه بسمت عرفات بیرون رود و سنت است که بیاید بمنی و شب عرفه تا طلوع صبح در منی بماند و سنت
است که چون وارد منی شود این دعا بخواند اَللّهُمَّ هٰذِهِ مِنیٰ وَهِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ

فاسئلک

پس احرام حج بگیرد و احوط آن است
که پیش از نیت احرام اول نیت حج کند
باین طریق که حج میکنم حج اسلام حج تمتع
از جهت آنکه واجب است قربة الی الله
منه

در رفتن به عرفات

فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیْنا بِما مَنَنْتَ بِهِ عَلیٰ اَنْبِیائِکَ فَاِنَّما اَنَا عَبْدُکَ وَفی قَبْضَتِکَ و بهتر آن است
که در وقت غروب آفتاب روز هشتم هرگاه در منی باشد نیت کند که در این شب تا طلوع صبح در منی میمانم
سنت قربة الی الله و بهر نحو که در آنجا بماند سنت بعمل آمده خواهد بود خواه در آنجا بخوابد یا بنشیند یا مشغول طاعتی
باشد بلی سنت است که در آن شب در آنجا مشغول عبادت پروردگار باشد تا صبح و نماز صبح سنت است از آنجا
کوچ کرده روانه عرفات شود و هرگاه ممکن باشد که تا طلوع آفتاب از وادی محسر نگذرد بهتر است و سنت
است که در وقتیکه از منی روانه عرفات شود این دعا بخواند اَللّهُمَّ اِلَیْکَ صَمَدْتُ وَاِیّاکَ اعْتَمَدْتُ
وَوَجْهَکَ اَرَدْتُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُبارِکَ لی فی رِحْلَتی وَاَنْ تَقْضِیَ لی حاجَتی وَاَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ تُباهی بِهِ
الْیَوْمَ مَنْ هُوَ اَفْضَلُ مِنّی و چون که واجب است که از ظهر روز عرفه تا غروب در عرفات وقوف کند لهذا
باید البته در اول ظهر در عرفات باشد بجهة وقوف و در وقوف چند امر واجب است **اول** نیت و باید نیت
مقارن ظهر روز عرفه باشد یعنی ابتدای ظهر نیت وقوف کند باین نحو که در عرفات وقوف میکنم از ابتدای
ظهر تا غروب آفتاب در حج اسلام و حج تمتع واجب قربة الی الله و اگر ممکن نشود که خود را در اول ظهر برساند
و اندکی بعد از ظهر وارد عرفات شود باید در همان وقت که وارد میشود نیت کند **دویم** اینکه از ظهر تا غروب
آفتاب در عرفات بماند پس جایز نیست که پیش از غروب از عرفات کوچ کند و هرگاه کسی عمدا پیش از غروب
کوچ کند حج او صحیح است اما باید یک شتر بکشد و اگر قدرت بر شتر کشتن نداشته باشد هجده روز روزه بدارد
و هرگاه سهوا یا از راه جهل مسئله کوچ کند چیزی بر او نیست **سیم** اینکه وقوف در عرفات باشد پس اگر در
جائی وقوف کند که خارج عرفات باشد اگرچه حدود آن باشد کافی نیست و حج باطل است و این سه واجبات
وقوف در عرفات است و در آن چند امر سنت است **اول** غسل کردن از برای وقوف و باید بعد
از زوال غسل کند و نیت غسل چنین کند که غسل وقوف عرفات میکنم از جهة اینکه سنت است قربة الی الله **دویم**
اینکه در عرفات در پایین کوه بایستد در دست چپ کوه نسبت بکسی که از مکه بعرفات آید یعنی در جائی از کوه
که هرگاه رو بکوه بایستد در سمت دست چپ بایستد **سیم** اینکه در جمیع زمان وقوف باوضو باشد **چهارم**
اینکه مشغول دعا و طلب آمرزش باشد از برای خود و پدر و مادر خود باشد که وقت دعا بودن کوی سبق و ادراک
فیوضات الهیه است و باید سعی نماید در گریه و زاری و اگر او را گریه نیاید خود را بگریه بدارد **پنجم** اینکه خود را نگاه

واز نگاه کردن بمردم وصحبت داشتن ومشغول امر خود باشد وخاطر خود را از وساوس وفکرهای باطل
محافظت کند ششم اکثر ادعیه که وارد شده است بهر قدر که تواند بخواند از انجمله دعای عرفه حضرت امام حسین (وادعیه که وارد شده بسیار است)
صلوات الله علیه ودعای عرفه صحیفه کامله است وادعیه دیگر نیز بسیار رسیده است وما در اینجا قدری از
انها ذکر میکنیم که اگر کسی خواهد بخواند از انجمله سنت است که رو بقبله کند بعد از حمد وثنای الهی صد مرتبه اَللهُ
اکبر بگوید وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه قل هو الله احد تا آخر سوره بخواند پس
بگوید اللهم انّی عبدک فلا تجعلنی من اخیب وفدک وارحم مسیری الیک من الفج العمیق اللهم
رب المشاعر کلها فک رقبتی من النار واوسع علیّ من رزقک الحلال وادرء عنّی شر فسقة الجن
والانس اللهم لا تمکر بی ولا تخدعنی ولا تستدرجنی اللهم انی اسئلک بحولک وجودک
وکرمک ومنّک وفضلک یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع الحاسبین ویا
ارحم الراحمین اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا پس حاجات خود را طلب نماید
وتمام انها را بر دارد پس دست بسوی آسمان بلند کند وبگوید اللهم حاجتی الیک التی ان اعطیتنیها لم یضرنی
ما منعتنی وان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیتنی اسئلک خلاص رقبتی من النار اللهم انی عبدک
وملک ناصیتی بیدک واجلی بعلمک اسئلک ان توفقنی لما یرضیک عنی وان تسلم منی
مناسکی التی اریتها خلیلک ابراهیم صلوات الله علیه ودللت علیها نبیک محمدا صلی الله علیه
وآله اللهم اجعلنی ممن رضیت عمله واطلت عمره واحییته بعد الموت حیوة طیبة واز انجمله
سنت است که این دعا را بخواند لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لک الحمد کالذی تقول وخیرا
مما نقول وفوق ما یقول القائلون اللهم لک صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براثی
وبک حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وساوس الصدر ومن شتات
الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک خیر الریاح واعوذ بک من شر ما تجیء به الریاح
واسئلک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل فی قلبی نورا وفی سمعی وبصری نورا وفی لحمی ودمی
وعظامی (وعروقی) ومقعدی ومقامی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی نورا یا رب یوم القاک انک

علی کل

امور واجبه وکونه وقوف
در عرفات

علی کل شیء قدیر واز انجمله سنت است که رو بقبله کند وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه الله اکبر بگوید
وصد مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله وصد مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر پس ده آیه اول سوره بقره را بخواند پس سه مرتبه سوره قل هو الله را بخواند وبعد از ان آیة الکرسی را
بخواند وآیه سخره را یعنی آیه ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا قریب من المحسنین بخواند بعد از ان سوره
قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را بخواند پس نعمتهای که خدا باو کرامت فرموده شماره وشکر
انها را بکند پس بگوید اللهم لک الحمد علی نعمائک التی لا تحصی بعدد ولا تکافی بعمل وصلوات بر پیغمبر
بفرستد وبگوید اللهم انی اسئلک یا الله یا رحمن بکل اسم هو لک واسئلک بقوتک وقدرتک
وعزتک وبجمیع ما احاط به علمک وبجمعک وبارکانک کلها وبحق رسولک صلوات الله علیه
وآله وباسمک الاکبر الاکبر وباسمک العظیم الذی من دعاک به کان حقا علیک ان تجیبه
وباسمک الاعظم الاعظم الذی من دعاک به کان حقا علیک ان لا ترده وان تعطیه ما سئلک
ان تغفر لی جمیع ذنوبی فی جمیع علمک فیّ پس حوایج خود را طلب نماید وهفتاد مرتبه بگوید اسئلک
الجنة وهفتاد مرتبه بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه وهرکه نتواند این همه اعمال را بجا آورد بهر قدر که تواند
اکتفا کند وبعضی ادعیه دیگر نیز رسیده که ذکر انها در اینجا باعث طول کتاب میشود ودر اینجا چند مسئله است
که باید ذکر انها بشود مسئله اول وقوف در عرفات رکن است یعنی هرکه عمدا انرا ترک کند ومطلقا
در عرفات وقوف نکند عمدا حج او باطل است وقدر رکن همان مجرد وقوف کردن است در مابین ظهر وغروب
اگرچه بمقدار یکدقیقه باشد ومجموع از ظهر تا غروب رکن نیست بلکه واجبی است که غیر از رکن است پس هرگاه کسی بقدر
قلیلی در عرفات بماند وعمدا از انجا پیش از غروب برود حج او صحیح است اگرچه فعل حرام کرده وباید یک شتر
بکشد یا هجده روز روزه بگیرد وهمچنانکه گذشت اما اگر هیچ در انجا وقوف بجا نیاورد عمدا حج او باطل است پس
قدر رکن در وقوف مسمای وقوف است یعنی کمتر چیزی که بودن در عرفات بران صادق باشد مسئله دویم مراد
از وقوف بودن در عرفاتست بهر نحوی وهر وضعی که بوده باشد خواه سواره وخواه پیاده وخواه نشسته وخواه
خوابیده وخواه ساکن وخواه متحرک پس بهر نحو که در انجا باشد واجب بعمل خواهد آمد مسئله سیم اگر کسی وقوف

عرفات را قبل از غروب فراموش کند یا بسبب تنگی وقت یا عذری دیگر نرسد بعرفات باید سعی کند که اضطراری
از او دریابد که شب عید باشد و همین که این چنین شخصی اندک از شب در انجا بماند که مسمای وقوف بعمل امده کافیست
و اگرچه اندک قبل از طلوع صبح باشد و این در وقتی است که داند که با وجود ادراک عرفات در شب پیش از
طلوع افتاب روز عید بمشعر خواهد رسید و اگر ظن غالب او چنان باشد که هرگاه در شب بعرفات رود قبل
از طلوع افتاب بمشعر نخواهد رسید باید بعرفات نرود و بمشعر رود و وقت اختیاری مشعر را دریابد و بهمان
اکتفا کند و حج او صحیح خواهد بود همچنانکه بتفصیل مذکور خواهد شد **فصل سیم** در بیان وقوف بمشعر که عمل سیم است
از اعمال واجبه حج تمتع و بیان اعمالیکه متعلق است بان بدانکه باید چون غروب افتاب روز عرفه شود
از عرفات کوچ کرده روانه مشعر الحرام شد و در وقت روانه شدن سنت است که این دعا را بخواند
اللهم لا تجعله اخر العهد من هذا الموقف وارزقنیه من قابل ابدا ما ابقیتنی واقلبنی الیوم
مفلحا منجحا مستجابا لی مرحوما مغفورا لی بافضل ما ینقلب به الیوم احد من وفدک علیک
واعطنی افضل ما اعطیت احدا منهم من الخیر والبرکة والرحمة والرضوان والمغفرة و
بارک لی فیما ارجع الیه من اهل او مال او قلیل او کثیر وبارک لهم فی و در بین راه چون
تل سرخی که در دست راست واقع است برسد بگوید اللهم ارحم موقفی وزد فی عملی وسلم لی دینی
وتقبل مناسکی و سنت است که نماز مغرب و عشا را تا خیر اندازد تا بمشعر و چون بمشعر رسد پیش از انکه
بار افرود اورد نماز مغرب و عشا را بگذارد و چون وارد مشعر شود چونکه شب عید در انجا ماندن در حالت
اختیار بنا بر اقوی واجب است لهذا باید در اول شب که وارد مشعر میشود نیت انجا ماندن بکند و در
وقوف مشعر چند امر واجب است اول نیت و همچنانکه مذکور شد باید در اول وقتی از شب که داخل
انجا میشود نیت کند باین طریق که امشب را در مشعر بروز میاورم در حج اسلام حج تمتع از جهت اینکه
واجب است قربة الی الله و چونکه صبح طلوع کند مقارن طلوع صبح باز نیت کند باین طریق که وقوف
در مشعر میکنم از طلوع صبح تا طلوع افتاب از جهت انکه واجب است قربة الی الله دویم اینکه شب عید را
تا صبح و از صبح تا طلوع افتاب در مشعر بماند پس جایز نیست که عمدا پیش از طلوع صبح و همچنین پیش از
طلوع افتاب از مشعر برود و هرگاه پیش از طلوع صبح عمدا از انجا کوچ کند فعل حرام کرده خواهد بود

و باید یک کوسفند

واجبات وقوف در مشعر

و باید یک کوسفند بکشد اگرچه حج صحیح است و هرگاه از راه فراموشی پیش از طلوع صبح از مشعر رفته باشد
چیزی بر ان نیست و حج صحیح است **مسئله سیم** اینکه در اصل مشعر وقوف کند و در خارج ان وقوف کردن مجزی
نیست بلی هرگاه ازدحام بسیار باشد بنحوی که ممکن نباشد در مشعر وقوف کردن جایز است بالا رفتن
بر کوه و همین قدر واجبات وقوف بمشعر است و در وقوف مشعر چند امر سنت است **اول** اینکه بعد از طلوع
صبح با طهارت باشد **دویم** اینکه در جمیع اوقات وقوف مشغول ذکر و دعا باشد **سیم** اینکه بعد از صبح در حین وقوف این دعا را
بخواند اللهم رب المشعر الحرام فک رقبتی من النار واوسع علی من رزقک الحلال وادرء عنی
شر فسقة الجن والانس اللهم انت خیر مطلوب الیه وخیر مدعو وخیر مسئول ولکل وافد جایزة
فاجعل جایزتی فی موطنی هذا ان تقیلنی عثرتی وتقبل معذرتی وان تجاوز عن خطیئتی ثم
اجعل التقوی من الدنیا زادی و از جمله اموریکه در این شب در مشعر سنت است بجا اورده شود برچیدن سنگریزه
است از برای رمی جمرات بدان که چون روز عید باید در منی جمره عقبه را بهفت سنگریزه زد و همچنین در روز یازدهم
و دوازدهم وگاه است در سیزدهم نیز باید هر یک از سه جمرات را بهفت سنگریزه پس هفتاد سنگریزه باید
بجمرات زد و این هفتاد سنگریزه سنت است که در شب عید از مشعر برچیده شود و محافظت شود که بجمرات
زده شود و چنانکه زیاده از هفتاد سنگریزه برچیند از برای احتیاط انکه مبادا بعضی بیفتد بهتر خواهد بود و جایز
است که از غیر مشعر برچیند اما بشرطیکه از حرم باشد پس برچیدن از غیر حرم جایز نیست و احوط انست که از
مسجد الحرام و مسجد خیف بلکه سایر مسجدهایی که در حرم هستند برچیده نشود و واجب است که سنگریزه ها اینکه برچیده
میشود بنحوی باشد که در عرف انها را سنگریزه گویند پس باید بسیار بزرگ نباشد و بسیار کوچک و خورد هم نباشد
و همچنین باید سنگریزه ها بکر باشند یعنی دفعه دیگر انها را بجمره نزده باشند بزدن صحیح نه خود و نه دیگری و سنت است
که هر یک بقدر سر انگشت باشند و همچنین سنت است که هر یک جدا از زمین برچیده شده باشد و از سنگ شکسته
نشده باشد و همچنین سنت است که مختلف الالوان باشند یعنی هرکدامی برنگی باشند و خالدار باشند و سست باشند
و در انجا چند مسئله است که باید اشاره بانها شود **مسئله اول** وقوف در مشعر رکن حج است پس اگر کسی عمدا از ان
ترک کند حج او باطل است و قدر رکن همان مجرد وقوف کردن است در ما بین اول شب عید تا طلوع افتاب اگرچه
بقدر یک دقیقه باشد و مجموع شب تا طلوع افتاب رکن نیست بلکه واجبی است غیر رکن که اگر کسی عمدا ترک کند فعل

حرام کرده خواهد بود و تفصیل این مذکور شد **مسئله دوم** مراد از وقوف مجرد بودن در مشعر است خواه سواره
یا نشسته یا ایستاده یا خوابیده بنحوی که در وقوف عرفات مذکور شد **مسئله سیم** هرگاه کسی پیش از طلوع آفتاب
وقوف مشعر را فراموش کند یا بجهة تنگی وقت یا خوف یا عذری دیگر نرسد و ادراک نکند باید سعی کند که وقت
اضطراری مشعر را دریابد و آن از طلوع آفتاب روز عید است تا ظهر روز عید و همین قدر که مسمای وقوف قبل از ظهر
روز عید در آنجا ادراک کند وقوف مشعر را ادراک کرده خواهد بود **مسئله چهارم** آنستی که از برای وقوف عرفه
دو وقت است یکی از برای مختاران از ظهر روز عرفه است تا غروب آفتاب و یکی از برای مضطران از غروب
آفتاب روز عرفه است تا طلوع صبح و همچنین از برای وقوف مشعر نیز دو وقت است یکی از برای مختاران از غروب
آفتاب شب عید است تا طلوع آفتاب و دیگری از برای مضطران از طلوع آفتاب روز عید است تا ظهر
و چونکه این معلوم شد بدانکه هرگاه کسی با وجود اختیار و امکان عمداً یکی از اختیاریها را ترک کند خواه اختیاری
عرفات باشد یا مشعر حج او باطل است و هرگاه اختیاری هر دو را یا یک کدام را فراموش کند یا عذری هم رسد
که نتواند ادراک کند و اضطراری او را عمداً ترک کند باز حج او باطل است اما هرگاه نرسیدن و ترک کردن هیچیک
عمداً نباشد بلکه همه یا بعضی بسبب عذر یا فراموشی ترک شود پس چند صورت متصور میشود **اول** آنکه هیچیک
از اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد یعنی هیچکدام از چهار وقت را وقوف نکند در این صورت حج او باطلست
و باید سال دیگر قضا کند **دوم** اینکه هیچیک از دو وقت مشعر را نرسد و همین اختیاری عرفات را ادراک
کند در این صورت جمعی از علما گفته اند که حج باطل است و قول ایشان خالی از قوتی نیست و مسئله محل اشکال
و احوط آنست که حج را اتمام کند و در سال آینده نیز قضا کند **سیم** آنکه باز هیچیک از دو وقت مشعر را نرسد
و همین اضطراری عرفات را ادراک کند در این صورت نیز حج باطل است و قضای آن لازم **چهارم** آنکه اختیاری
عرفات را با اضطراری مشعر ادراک کند در این صورت حج او صحیح است **پنجم** آنکه اضطراری عرفات را با اختیاری
مشعر ادراک کند در این صورت نیز حج او صحیح است **ششم** آنکه اضطراری عرفات را با اضطراری مشعر ادراک
کند و در این صورت نیز اقوی صحت حج است **هفتم** آنکه هیچیک از دو وقت عرفات را ادراک نکند و همین
اختیاری مشعر را درک کند حج صحیح است **هشتم** آنکه همین اضطراری مشعر را ادراک کند در این صورت بنا
بر اقوی و اشهر حج او فاسد است و قضا لازم **مسئله پنجم** باید اختیاری وقوف عرفات در روز عرفه و اضطراری

الا ارش

رفتن از مشعر بمنی

ان در شب عید و اختیاری مشعر در شب طلوع آفتاب روز عید و اضطراری آن در روز عید بعمل آید پس هرگاه
وقوف را در غیر این اوقات بعمل آورد حج صحیح نیست و همچنین هرگاه مشتبه باشد که آیا عرفه و عید است صحیح نیست **مسئله
ششم** در صورتیکه حج باطل میشود و باید در سال آینده قضا کند باقی مانده افعال حج ساقط است و باید از جهة بیرون
آمدن از احرام عدول بعمره مفرده کند و افعال عمره را بنحوی که مذکور شد بجا آورد تا از احرام برآید **فصل چهارم** — سوره
در رفتن از مشعر بمنی و بیان سه عملی که باید در آنجا بجا آورده شود که عمل چهارم و پنجم و ششم حج تمتع است بدانکه
چون آفتاب روز عید بثبیر تابد و آن کوهی است بزرگ که در مشعر واقع است و در طرف راست کسی است که
از منی بمشعر میرود و اول کوهی است که آفتاب بران میتابد باید بعد از اعتراف بگناهان خود هفت نوبت
استغفار کند و روانه منی شود بجهة اعمال منی و آن سه عمل است رمی جمره عقبه و ذبح قربانی و سر تراشیدن یا تقصیر
و چون بوادی محسر رسد سنت است که بقدر صد گام یا صد ذرع هروله کند بنحوی که در سعی گذشت و هرگاه
سواره باشد راحله خود را بهمین قدر تندتر براند و در وقت هروله این دعا را بخواند اللهم سلم لی عهدی
و اقبل توبتی و اجب دعوتی و اخلفنی بخیر فیما ترکت بعدی و وادی محسر وادی است که معروف
و مشهور است و والد ماجد طاب ثراه در مناسک مکه فرموده است که ابتدای وادی محسر نزد آنکه از مشعر
بمنی میرود و انتهای مشعر است و آن موضعی است از میان دو کوه که بعرض راه سنگها منصوب است و زمین
گودتر و سرازیر میشود و از آنجا تا پانصد و چهل ذرع داخل وادی محسر است تمام شد کلام والد ماجد طاب ثراه
و چون وارد منا شود باید مشغول سه امر مذکور شود یعنی رمی جمره و ذبح و تقصیر و باید به ترتیب مذکور بجا آورد یعنی
ابتدا رمی جمره کند و بعد از آن ذبح قربانی و بعد از آن سر تراشد یا تقصیر کند پس جایز نیست که ابتدا بغیر رمی کند
یا اخذ را بغیر سر تراشیدن یا تقصیر قرار بدهد و ما در اینجا احکام و تفصیل هر یک از سه عمل را بیان میکنیم پس میگوییم
عمل اول رمی جمره عقبه است یعنی جمره عقبه را سنگریزه زدن و جمره عقبه یکی از سه جمره است که در منی است و آن
آنست که هرکه از مکه بمنی میرود ابتدا بآن میرسد و در سمت چپ راه است و در دیوار بزرگی که متصل بتلی است نصب است
بنحویکه همین برکردی آن ظاهر است سنگریزه ها بران میزنند و همچنانکه دانستی باید ابتدا کند برمی جمره یعنی پیش از آن
دو عمل این عمل را بجای آورد و کیفیت آن باین طریقست که باید هفت عدد سنگریزه از هفتاد سنگریزه که در مشعر
برداشته بود بزند بجمره عقبه و در آن چند امر واجبست **اول** نیت و باید اول نیت کند باین طریق که این جمره را

هفت سنگریزه میزنم در حج اسلام حج تمتع از جهت آنکه واجبست قربة الی الله دویم آنکه هفت سنگریزه بزند
پس هرگاه کمتر باشد مجزی نیست سیم اینکه سنگریزها را از دست بیندازد بجمره نحویکه در عرف بگویند انداخت
پس اگر اینها را بدست گیرد و بر جمره بگذارد صحیح نخواهد بود چهارم آنکه یک یک بیندازد پس اگر مجموع را یا چند عدد
بیکدفعه بیندازد یکی از اینها محسوب خواهد بود و باقی محسوب نخواهد بود پنجم آنکه هر یک از هفت سنگریزه
بجمره یعنی میل برسد پس هرگاه یکی از اینها بمیل نرسد باید دوباره زند و همچنین هرگاه شک کند که آیا بجمره رسید
یا نه باید دوباره بیندازد ششم آنکه رسیدن سنگریزه بمیل از فعل خود آن شخص باشد یعنی بسبب انداختن این شخص
پس هرگاه باعانت چیز دیگر رسد بمیل کافی نخواهد بود و همین قدر واجبات رمی جمره است و در آن چند چیز
سنت است اول آنکه با طهارت و وضو باشد دویم آنکه در وقتی که هفت سنگریزه را بدست گرفته باشد و خواهد
بمیل بیندازد این دعا بخواند اللهم ان هولاء حصاتی فاحصهن لی وارفعهن فی عملی سیم آنکه در وقت انداختن
سنگریزه الله اکبر بگوید و هرگاه ممکن شود این دعا را بخواند اللهم تصدیقا بکتابک وعلی سنة نبیک صلی
الله علیه و آله اللهم اجعله لی حجا مبرورا و عملا مقبولا و سعیا مشکورا و ذنبا مغفورا چهارم
در وقت انداختن سنگریزه دوری آن از جمره یعنی از موضعی که ایستاده تا میل از ده ذرع شرعی کمتر و از پانزده
ذرع زیادتر نباشد پنجم آنکه هر یک از هفت سنگریزه را بر شکم انگشت ابهام گذارد و بناخن انگشت شهادت
بیندازد ششم آنکه در وقت انداختن پیاده باشد نه سواره هفتم آنکه در وقت انداختن این جمره پشت بقبله
و رو بجمره بایستد و چون از این عمل فارغ شود باید برگردد بمنزل خود و سنت است که چون از رمی فارغ شود
باید برگردد و بمنزل خود رجوع کند و این دعا را بخواند اللهم بک وثقت وعلیک توکلت فنعم الرب ونعم
المولی ونعم النصیر و سایر مسایل رمی جمره از شک و سهو آن بعد از این مذکور خواهد شد و بعد از آمدن بمنزل خود
باید متوجه عمل دویم شود و عمل دویم قربانی کردن است بدانکه بعد از فارغ شدن از رمی جمره باید ذبح قربانی
کرد و در قربانی چند چیز واجبست اول آنکه در وقت کشتن قربانی نیت کند باین طریق که این قربانی را ذبح میکنم
در حج اسلام حج تمتع از جهة آنکه واجبست قربة الی الله اگر کشنده دیگری باشد یعنی دیگری بنیابت او بکشد باید قصاب
نیت کند که این قربانی را بنیابت فلان میکشم در حج اسلام و حج تمتع از جهت آنکه واجبست قربة الی الله
و خود نیز نیت کند نحویکه اول مذکور شد دویم آنکه کشتن قربانی در منی باشد نه در موضع دیگر سیم آنکه کشتن قربانی

در روز عید

در روز عید باشد چهارم آنکه قربانی گوسفند باشد یا بز یا گاو یا شتر و غیر اینها از حیوانات مجزی نیست پنجم
آنکه هرگاه قربانی گوسفند باشد شش ماه تمام داشته باشد و داخل در ماه هفتم شده و اگر بز و گاو باشد یک
سالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و احوط آنست که دو سال تمام داشته باشد و داخل در سال
سیم شده باشد و اگر شتر باشد پنج سال تمام داشته باشد و داخل در سال ششم شده باشد ششم آنکه قربانی
عیب دار نباشد پس باید کور و لنگ نباشد و باید گوش از انه بریده باشد و شاخ آن بریده یا شکسته نباشد
و باید خصی نباشد یعنی خایه از انه بریده باشند و باید بسیار لاغر نباشد بنحویکه پیه بر پشت آن نباشد هفتم
آنکه تمام قربانی از یک شخص باشد پس جایز نیست که جمعی در یک قربانی شریک شوند و این امور است که واجبست
در قربانی و در آن چند چیز سنت است اول آنکه قربانی بسیار فربه باشد دویم آنکه قربانی اگر شتر و گاو باشد
ماده باشد و اگر گوسفند و بز باشد نر باشد سیم آنکه قربانی را خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست
قصاب بگذارد و او را اعانت در کشتن بکند چهارم آنکه در وقت کشتن قربانی این دعا را بخواند وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من
المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر اللهم تقبل منی و بدانکه بنا بر اقوی واجب است
که قدری از گوشت قربانی را خود بخورد و قدری دیگر بفقرا و شیعه بدهد و بهتر آنست که گوشت قربانی را
حصه کند ثلث آن را بفقرا تصدق کند و ثلث آن را بعنوان هدیه از برای یاران و مصاحبان بفرستد و ثلث
آن را از برای خود قرار بدهد و از آن بخورد و اگرچه اندکی باشد و باقی هر چه از این ثلث میماند باز تصدق کند
و باید در وقت تصدق و هدیه فرستادن و خوردن نیت کند و باید گوشت قربانی را در منی بمصارف مذکوره
برساند و جایز نیست که گوشت آن را خود از منی بیرون برد و هرگاه کسی قدرت بر قربانی کردن نداشته باشد
بجهة آنکه قربانی وجود نداشته باشد یا قیمت آن نداشته باشد باید بعوض آن ده روز روزه بگیرد سه روز آن را
باید پی در پی در بقیه همان ماه ذوالحجه بگیرد و هفت روز دیگر آن را در وقتی که بوطن خود معاودت کرد بگیرد و در این
هفت روز پی در پی کردن لازم نیست و بعد از فارغ شدن از امر قربانی باید مشغول عمل سیم شود عمل سیم سر تراشیدن
یا تقصیر کردن است بدانکه چون از قربانی فارغ شود باید سر بتراشد یا تقصیر کند یعنی چیزی از ناخن یا موی خود را

زنان

بچینند و از برای سر تراشیدن جایز نیست بلکه تقصیر بر ایشان متعین است و مردان را هر یک از سر تراشیدن
و تقصیر کردن جایز است لیکن سر تراشیدن افضل است خصوصا از برای نو حاجی یعنی کسی که مرتبه اول او باشد
که بحج رفته باشد و واجب است که در وقت سر تراشیدن یا تقصیر کردن نیت کند باین طریق که سر میتراشم یا تقصیر
میکنم از جهة محل شدن از حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و هر گاه سر تراشد بهتر آن است که دلاک نیز نیت
کند و همچنین اگر تقصیر کند و دیگری ناخن یا موی او را بچیند بهتر آن است که آن دیگر نیز نیت کند و سنت است که
در وقت سر تراشیدن یا مو چیدن رو بقبله کند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اعطنی بکل شعرة
نورا یوم القیامة و سنت است که اگر سر تراشد ابتدا از جانب راست کند و همه سر را بتراشد و واجب است که
سر تراشیدن یا تقصیر کردن پیش از رفتن بمکه بجهة طواف حج و سعی باشد و واجب است که در منی باشد پس اگر از منی
بیرون رفته باشد باید برگردد بمنی اگر ممکن نباشد در هر جا که ممکن است سر را بتراشد و موی خود را بفرستد بمنی
دفن کنند و بدانکه همچنانکه دانستی واجب است که این سه عمل ترتیب مذکور بشد یعنی اول رمی جمره کند بعد از آن
قربانی بعد از آن سر تراشد یا تقصیر کند و هر گاه کسی عمدا خلاف ترتیب را بکند گناه کار است و احوط آن است
که اعاده کند بنحویکه ترتیب بعمل اید و هر گاه سهوا خلاف ترتیب را کرده باشد ظاهر آن است اعاده نباشد و بعد از
سر تراشیدن یا تقصیر کردن یا سر تراشیدن از احرام بیرون میاید و هر چیز که بسبب احرام بر او حرام شده بود
حلال میشود مگر بوی خوش و زن و احوط اجتناب از صید احرامی نیز هست اگرچه ظاهر عدم حرمت آن است لیکن
مکروه است پوشیدن رخت دوخته و پوشانیدن سر تا از سعی صفا و مروه فارغ شود و بدانکه بعد از فارغ شدن
از اعمال منی باید بمکه رفت بجهة اعمالیکه در انجا باید بجا آورد **فصل پنجم** در بیان رفتن از منی بمکه بجهت حج و عملی
که باید در انجا بعمل آورد که عمل ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم است از اعمال واجب حج تمتع و انها طواف
حج است و دو رکعت نماز آن و سعی میان صفا و مروه و طواف نساء و دو رکعت نماز آن بدانکه چون حاجی از
عمل منی فارغ شود باید بمکه رود که در انجا پنج عمل مذکور را بجا آورد افضل آن است که در روز عید برود بمکه و اگر
آن روز ممکن نشود در روز یازدهم برود و می تواند که صبر کند در منی و نرود تا روز دوازدهم یا سیزدهم اما اولی آن است
که از روز یازدهم تاخیر نیندازد و آنچه از مستحبات که از برای دخول مکه و مسجد الحرام در اول از برای اعمال عمره
بجا آوردن مذکور شد از غسل کردن و در در مسجد ایستادن و دعا خواندن و از باب السلام داخل شدن و بار

عالمکه

دعاها که مذکور شد در اینجا نیز سنت است پس هر گاه ممکن بشود که همه انها را یا بعضی از انها را بجا آورد به
خواهد بود و بهر حال بعد از داخل شدن بمکه باید اول برود بمسجد از جهة طواف حج و باید ابتدا بطواف کند و بعد از آن
دو رکعت نماز انرا در عقب مقام ابراهیم بکند پس برود بصفا و مروه از جهة سعی و در انجا سعی نماید و بعد از آن
برگردد بمسجد الحرام بجهت طواف نساء پس دو رکعت نماز انرا در عقب مقام ابراهیم بجا آورد و آنچه در طواف عمره
مذکور شد از مستحبات از رفتن بنزد حجر الاسود و بوسیدن آن و ادعیه طواف و آداب آن و ادعیه سعی و آداب
آن همه در این طوافها و نمازها و سعی نیز سنت است و همچنین واجبات این دو طواف و نمازهای انها و سعی و سایر
احکام و آداب انها بنحوی است که در طواف عمره و نماز آن و سعی صفا و مروه در عمره گذشت و هیچ فرقی نیست
مگر در نیت که در انجا نیت عمره میکرد و در اینجا باید نیت حج بکند پس نیت طواف حج را چنین میکند که هفت شوط
طواف حج اسلام حج تمتع میکنم از جهة آنکه واجب است قربة الی الله و نیت دو رکعت نماز را چنین میکند که دو رکعت
نماز طواف حج اسلام حج تمتع میکنم از جهة آنکه واجب است قربة الی الله و نیت سعی را چنین میکند که هفت شوط
سعی میان صفا و مروه میکنم در حج اسلام حج تمتع از جهة آنکه واجب است قربة الی الله و نیت طواف نساء را چنین
کند که هفت شوط طواف نساء میکنم در حج اسلام حج تمتع از جهة آنکه واجب است قربة الی الله و نیت دو رکعت
نماز طواف نساء را چنین میکند که دو رکعت نماز طواف نساء میکنم در حج اسلام حج تمتع از جهة آنکه واجب است قربة
الی الله باید این پنج عمل بترتیب مذکور بعمل اید یعنی اول طواف حج کرده شود و بعد از آن نماز آن و بعد سعی و
بعد طواف نساء و بعد نماز آن پس جایز نیست مخالفت این ترتیب و مخفی نماند که دانستی که بعد از سر تراشیدن
یا تقصیر جمیع آنچه بسبب احرام بر او حرام شده بود حلال میشود مگر بوی خوش و زن که این دو حلال نمیشوند و
بعد از آنکه طواف حج و دو رکعت نماز آن و سعی میان صفا و مروه کرد بوی خوش نیز بر او حلال میشود اما زن
بر او حرام است تا بعد از آنکه طواف نساء و دو رکعت نماز انرا بعمل آورد و بعد از آن زن بر او حلال میشود و بدانکه
احکام شک و سهو در طواف و سعی بعینه همچنان است که در طواف و سعی عمره مذکور شد و بعد از فارغ شدن
از این پنج عمل در مکه واجب است عود کردن بمنی از برای ماندن شبهای ایام تشریق و رمی جمرات هر گاه در روز
عید یا یازدهم اعمال مکه را بجا آورده باشد **فصل ششم** در اعمال و افعال منی بعد از روز عید و فارغ شدن
از اعمال مکه بدانکه واجب است که شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم حاجی در منی بیتوته کند یعنی شب در انجا

پس واجبست که بعد از افعال که از مکه معاودت بمنی کند و در آنجا بماند شب سیزدهم از برای همه کس نیست و بر همه کس واجب نیست که شب سیزدهم در منی بماند ح

بماند بلکه بر کسی واجبست که غروب آفتاب روز دوازدهم در منی باشد یا در حال احرام با زن نزدیکی کرده
باشد یا در احرام صید کرده باشد پس هر گاه کسی پیش از غروب آفتاب از منی کوچ کند همچنانکه حال متعارفست و
در حال احرام صید نکرده باشد و از زنان اجتناب کرده باشد ماندن شب سیزدهم در منی بر او واجبست
و بدانکه حاجی باید که هر شب که در منی میماند در اول آن شام نیت کند باین طریق که در این شب در منی میمانم در
حج اسلام حج تمتع از جهة آنکه واجبست قربة الی الله و از جمله اموری که در این سه روز یعنی یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم واجبست که در منی بعمل آورد آنست که هر روز هر یک از این سه میل را بهفت سنگریزه بزنند و بیان
آن این است که در منی سه میل است که هر یک از آنها را جمره میگویند یکی را جمره عقبه میگویند و آن همانست
که در روز عید بهفت سنگریزه زده بود و آن میلی است که هر که از مکه میاید بمنی اول بان میرسد و در دست چپ
راه است همچنانکه مذکور شد و دویم جمره وسطی و آن میلی است که بعد از گذشتن از جمره عقبه بان میرسند
و سیم جمره اولی و آن میلی است که بعد از گذشتن از جمره وسطی بان میرسند و یکی از این میلها را که جمره
عقبه باشد در روز عید بهفت سنگریزه از هفتاد سنگریزه که در مشعر برچیده بود زده بود و شصت و سه سنگریزه
دیگر مانده بود که باید بزند پس باید که در روز یازدهم بهر یک از سه میل هفت سنگریزه بزند که مجموع بیست و یک
سنگریزه باشد و همچنین در روز دوازدهم نیز بهر یک هفت سنگریزه بزند و همچنین در روز سیزدهم که
مجموع سه روز شصت و سه سنگریزه بزند و واجبست که در هر روز اول جمره اولی را بزند و بعد از آن جمره
وسطی را و بعد از آن جمره عقبه را و واجبست که در زدن هر یک از سه جمره نیت کند باین طریق که در وقتی که
در برابر هر یک از میلها ایستاده باشد و خواهد که سنگریزه را بزند نیت کند که این میل را بهفت سنگریزه میزنم
در حج اسلام حج تمتع از جهت آنکه واجبست قربة الی الله و کیفیت ایستادن در برابر میل و زدن سنگریزه ها و
عدد انها و آداب و مستحبات زدن و دعاها بنحویست که در زدن سنگریزه ها در روز عید بجمره عقبه مذکور شد
و هیچ فرقی نیست مگر در یک چیز و آن این است که در وقتی که جمره عقبه را میزد سنت بود که پشت بقبله و رو بجمره
بایستد و در این سه روز باز سنت است که هر وقت که جمره عقبه را میزند پشت بقبله و رو بجمره بایستد و اما در وقت
که آن دو جمره دیگر را یعنی جمره اولی و وسطی را میزند رو بقبله بایستد و جمره را بزند و مخفی نماند که واجب بودن زدن
سه میل در سه روز در وقتی است که روز سیزدهم نیز در منی باشد پس اگر در روز دوازدهم از منی کوچ کند زدن

[illegible]

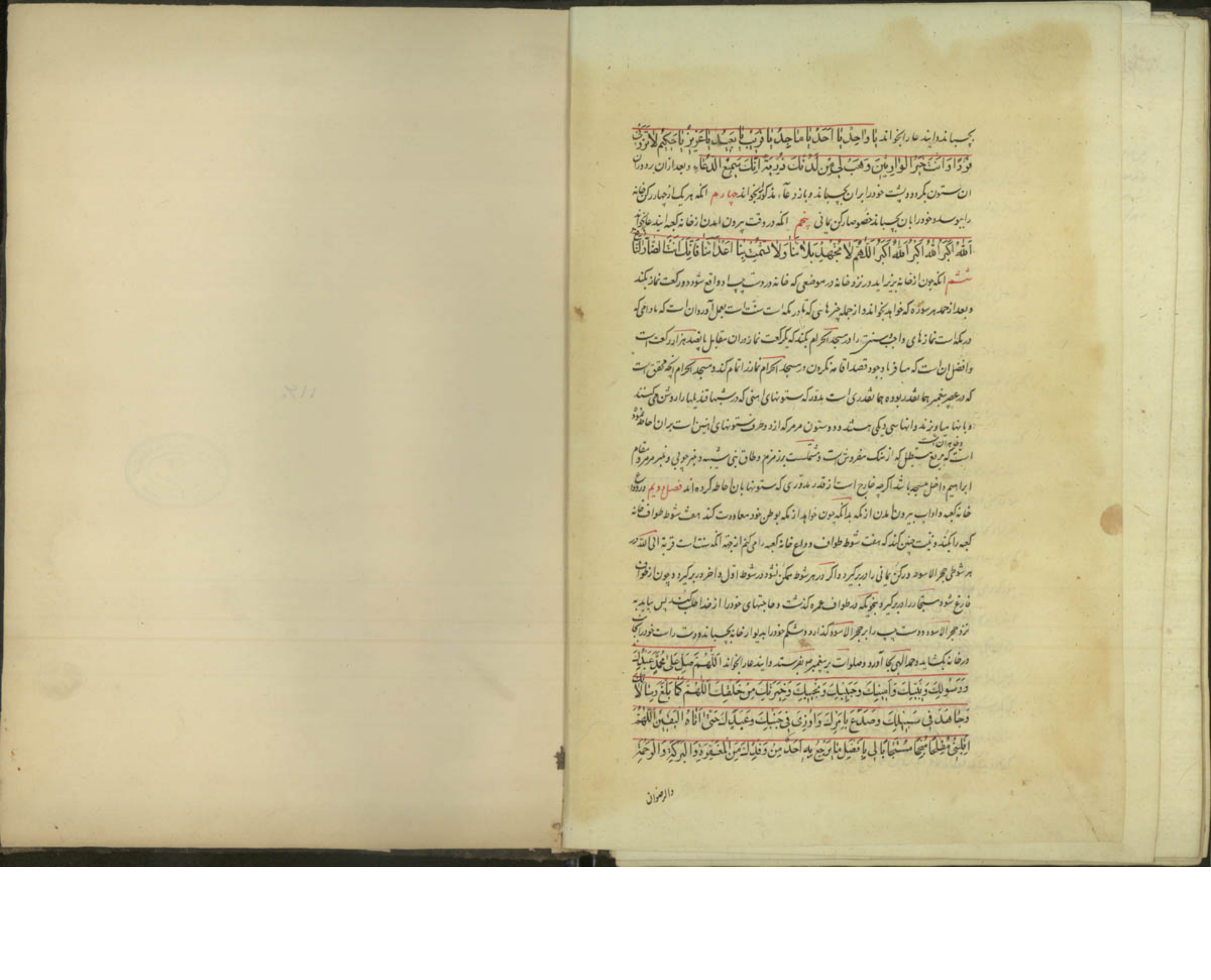
روز سیزدهم لازم نخواهد بود بلکه ساقط خواهد بود و سنت است که بیست و یک سنگریزه روز سیزدهم را در منی
خاک کند و بدانکه واجبست که حاجی بعد از فارغ شدن از اعمال منی در روز عید میتواند همان روز یا روز یازدهم
بمکه رود بجهة اعمال مکه و میتواند صبر کند که در روز دوازدهم یا سیزدهم برود پس بنا بر این آنچه مذکور شد که
باید بمکه رفت از جهة بجا آوردن پنج عمل و بعد از آن عود کند بمنی بجهة بیتوته شبها و زدن میلها در وقتی است
که در روز عید یا یازدهم بمکه رود اما هر گاه تاخیر اندازد تا پس از غروب روز دوازدهم یا روز سیزدهم بمکه رود
بجهة اعمال مکه دیگر نباید عود بمنی کند بلکه بعد از فارغ شدن از عمل روز عید در منی میماند و بیتوته شبها را
و زدن میلها را بجای آورد و بعد میرود بمکه و اعمال را تمام میکند و دیگر بمنی نمی آید اما طریق اول بهتر است
همچنانکه مذکور شد و بدانکه از برای کسی که در روزهای مذکوره در منی است دو چیز سنت است اول آنکه نمازهای
واجبی و سنتی خود را مادامی که در منی است در مسجد خیف بعمل آورد و هر گاه همه ممکن نشود هر قدر که ممکن
شود در آنجا بکند که از حضرت باقر مروی است که فرموده اند که صد رکعت نماز در مسجد خیف مقابل هفتاد
سال عبادت است و بهترین مواضع مسجد خیف مسجد حضرت رسول است یعنی آنچه در عهد او مسجد بوده
و والد ماجد طاب ثراه در مناسک مکه فرموده که از نزد مناره که در وسط مسجد است و متصل بان قبه بنا شده
تا سی ذرع از سمت قبله و سی ذرع از جانب راست و سی ذرع از جانب چپ مسجد حضرت رسول است
و سنت است که در مسجد خیف صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه الحمد لله بگوید دویم از
چیزهای که در منی سنت است آنست که بعد از پانزده نماز تکبیر بگوید بنحوی که مذکور میشود و اول آن پانزده
نماز نماز ظهر روز عید است و آخر آن نماز صبح روز سیزدهم و هر گاه پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم از منی کوچ
کند تکبیر سه نماز که مغرب و عشاء شب سیزدهم و صبح روز سیزدهم باشد ساقط میشود و آن تکبیری که باید
بعد از نمازها گفته شود این است الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی
ما هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا و در اینجا چند مسئله است که باید بیان
شود مسئله اول و انستی که واجبست بر همه کس که شب یازدهم و دوازدهم را و بر بعضی دیگر شب سیزدهم
را نیز در منی بسر برند پس هر گاه کسی بدون ضرورت در غیر منی باشد فعل حرام کرده خواهد بود و باید بعوض
هر شبی یک گوسفند بکشد مگر آنکه در مکه باشد و در همه شب مشغول عبادت باشد مگر بقدر امور ضروریه مثل

اکل و شرب و قضاء حاجت یا اینکه تا نصف شب در منی باشد و بعد از نصف شب از منی بیرون رود که در این
صورت گوسفند کشتن برا او لازم نیست مسئله دویم هرگاه کسی در روز عید یا یازدهم برود بمکه بجهة اعمال مکه و
نتواند پیش از غروب مراجعت کند باید هر وقت از شب که برای او ممکن شود خود را بمنی برساند مسئله سیم قدر واجب
از ماندن در منی شبهای مذکور است و ماندن تمام روز در منی واجب نیست مگر بقدر زدن سنگریزها بلی سنت است
که در تمام روز در منی باشد مسئله چهارم کسی که در روز دوازدهم از منی کوچ میکند باید بعد از ظهر کوچ کند و پیش از
ظهر از منی کوچ کردن و رفتن جایز نیست و کسیکه در روز سیزدهم کوچ کند سنت است که قبل از ظهر کوچ کند مسئله پنجم
واجب است زدن سنگریزها در روز باشد و در شب زدن جایز نیست مگر هرگاه عذری باشد که در روز ممکن
نشود مسئله ششم در هر وقت از روز که باشد میتواند سنگریزه را بزند خواه قبل از ظهر و خواه بعد از آن مسئله هفتم هرگاه
کسی ترتیب زدن جمره را بعمل نیاورد یعنی همچنانکه باید اول جمره اولی و بعد وسطی و بعد عقبه را بزند هرگاه
خلاف این را بکند باید دوباره بزند بنحویکه ترتیب بعمل آید مسئله هشتم هرگاه کسی یکروز جمره زدن را فراموش
کند باید در روز دیگر قضا کند و باید در روزیکه قضا میکند اول جمره روز پیش را بزند و بعد جمره آن روز را
مسئله نهم هرگاه کسی عمدا رمی همه جمرات را یکروز را ترک کند پس اگر ایام تشریق نگذشته باشد واجب است که
عود کند بمنی و رمی کند و اگر گذشته باشد واجب است که در سال آینده یا خود یا دیگری بنیابت او قضا کند و دیگری
چیزی بر او نخواهد بود مسئله دهم هرگاه کسی رمی همه جمرات یا یکروز را فراموش کند تا داخل مکه شود واجب است
که بمنی معاودت کند و رمی کند بشرطیکه ایام تشریق نگذشته باشد و اگر بعد از گذشتن ایام تشریق متذکر
شود که رمی نکرده است و یا بخاطر او نیاید تا از مکه بیرون رود در اینصورت احوط آن است که در سال
آینده هرگاه خود نیاید دیگری را نایب کند که بجهة آن قضا کند مسئله یازدهم هرگاه آنچه ترک شده عمدا یا سهوا
زدن یکی از میلها یا دو میل باشد باید در قضا کردن مراعات ترتیب را بکند مسئله دوازدهم هرگاه زدن یک
میل را فراموش کند و بعد نداند که کدام است باید هر سه جمره را دوباره بزند مسئله سیزدهم هرگاه یقین داند
که یک سنگریزه یا بیشتر را نزده است و نداند از کدام جمره است باید هر سه جمره را بهفت سنگریزه بزند
مسئله چهاردهم هرگاه در عدد سنگریزها یکه زده شک کند مثل اینکه نداند سه زده یا چهار زده بنا را بر کمتر می
گذارد بدانکه بعد از تمام شدن این اعمال حج تمام است و میتواند بوطن خود معاودت کند خواه در مکه

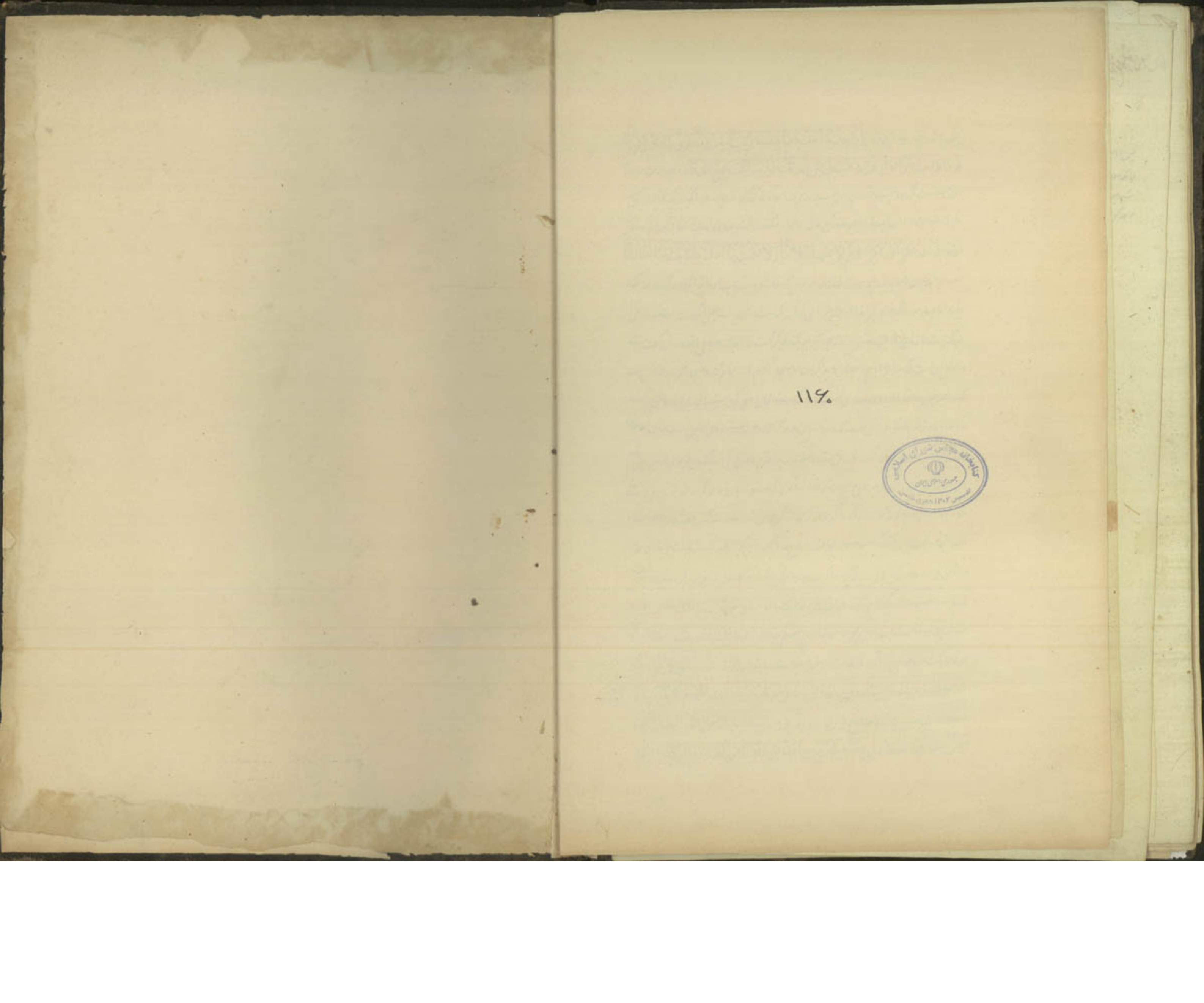
باشد یا درمنی

سایر مستحبات در وداع
خانه کعبه

باشد یا در منی بلی سنت است که اگر در مکه باشد وداع خانه کعبه را بکند و بعضی اعمال مستحبه دیگر که رسیده
است بجا آورد اگر در منی باشد معاودت کند بمکه بجهة وداع و بجا آوردن اعمال مستحبه لهذا ما در اینجا
طریقه وداع و سایر مستحبات را در خاتمه ذکر میکنیم خاتمه در بیان سایر مستحبات و وداع خانه کعبه
و در آن دو فصل است فصل اول در بیان سایر مستحباتیکه در مکه باید بجا آورد بدانکه از جمله آنچه سنت
است که در مکه باید بعمل آورد در ایام حج آن است که سیصد و شصت طواف بکند بعدد ایام سال و اگر
نتواند سیصد و شصت و چهار شوط بکند که پنجاه و دو طواف باشد و بدانکه کسی که از اهل مکه نیست طواف
کردن از برای او بهتر است از نماز سنتی کردن غیر از نوافل یومیه و از جمله آنچه سنت است
داخل شدن خانه کعبه است بدانکه ثواب داخل شدن خانه کعبه بسیار است همچنانکه مرویست که هر که داخل
خانه کعبه شود داخل در رحمت الهی شده است و هر که از آنجا بیرون آید از جمیع گناهان بیرون آمده است و
سنت است که پیش از داخل شدن غسل کند و ادعیه چند در وقت داخل شدن خانه هست که بجا آوردن
آنها در این اعصار نهایت اشکال دارد لهذا ما در اینجا بذکر بعضی از آنها اکتفا مینمائیم که هرگاه ممکن شود آنها را
یا بعضی از آنها را بجا آورد اول آنکه در وقت داخل شدن حلقه در را بگیرد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْبَیْتَ
بَیْتُکَ وَالْعَبْدَ عَبْدُکَ وَقَدْ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِنًا فَآمِنِّی مِنْ عَذَابِکَ وَاَجِرْنِی مِنْ سَخَطِکَ
دویم آنکه در هر یک از کنجهای خانه دو رکعت نماز کند و بعد از آن این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ
اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ اَوِ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ
فَاِلَیْکَ یَا سَیِّدِی تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَاِعْدَادِی وَاسْتِعْدَادِی رَجَاءَ رِفْدِکَ وَنَوَافِلِکَ
وَجَائِزَتِکَ فَلَا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجَائِی یَا مَنْ لَا یَخِیبُ عَلَیْهِ سَائِلٌ وَلَا یَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَاِنِّی لَمْ اٰتِکَ
الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلٰکِنِّی اَتَیْتُکَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْاِسَاءَةِ
عَلٰی نَفْسِی فَاِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِی وَلَا عُذْرَ فَاَسْئَلُکَ یَا مَنْ هُوَ کَذٰلِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تُعْطِیَنِی مَسْئَلَتِی وَتُقِیلَنِی عَثْرَتِی وَتَقْلِبَنِی بِرَغْبَتِی وَلَا تَرُدَّنِی مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا
یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ اَرْجُوکَ لِلْعَظِیمِ اَسْئَلُکَ یَا عَظِیمُ اَنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ
الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِلَّا الْعَظِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سیم آنکه سینه خود را بر ستونیکه برابر حجر الاسود است


بچسباند واین دعا را بخواند یا واحد یا احد یا ماجد یا قریب یا بعید یا عزیز یا حکیم لا تذرنی
فردا و انت خیر الوارثین وهب لی من لدنک ذریة انک سمیع الدعاء وبعد از آن رو در
آن ستون بکرد و پشت خود را بر آن بچسباند و باز دعا مذکور بخواند چهارم آنکه هر یک از چهار رکن خانه
را ببوسد و خود را بآن بچسباند خصوصا رکن یمانی پنجم آنکه در وقت بیرون آمدن از خانه کعبه این دعا بخواند
الله اکبر الله اکبر الله اکبر اللهم لا تجهد بلاءنا ولا تشمت بنا اعداءنا فانک انت الضار النافع
ششم آنکه چون از خانه بیرون آید در نزد خانه در موضعی که خانه در دست چپ او واقع شود دو رکعت نماز بکند
و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند از جمله چیزهایی که در مکه است سنت است بعمل آوردن است که مادامی که
در مکه است نمازهای واجب و سنت را در مسجد الحرام بکند که هر رکعت نماز در آن مقابل با صد هزار رکعت است
و افضل آن است که مسافر با وجود قصد اقامه نکردن در مسجد الحرام نماز را تمام کند و مسجد الحرام آنچه محقق است
که در عصر پیغمبر بهمان قدر بوده همان قدری است بقدر که ستونهای آهنی که در شبها قندیلها را روشن می کنند
و بآنها میاویزند و آنها سی و یکی هستند و دو ستون مرمر که از دو طرف ستونهای آهنین است بران احاطه نموده
و قطر آن است
است که مربع مستطیل که از سنگ مفروش است و مشتمل است بر زمزم و طاق بنی شیبه و منبر چوبی و منبر مرمر و مقام
ابراهیم داخل مسجد باشد اگرچه خارج است از قدر مذکوری که ستونها بان احاطه کرده اند فصل دویم در وداع
خانه کعبه و آداب بیرون آمدن از مکه بدانکه چون خواهد از مکه بوطن خود معاودت کند هفت شوط طواف خانه
کعبه را بکند و نیت چنین کند که هفت شوط طواف وداع خانه کعبه را می کنم از جهة آنکه سنت است قربة الی الله در
هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را دربرگیرد و اگر در هر شوط ممکن نشود در شوط اول و آخر دربرگیرد و چون از طواف
فارغ شود مستجار را دربرگیرد بنحوی که در طواف عمره گذشت و حاجتهای خود را از خدا طلب کند پس باید به
نزد حجر الاسود رود و دست چپ را بر حجر الاسود گذارد و شکم خود را بدیوار خانه بچسباند و دست راست خود را بجانب
در خانه بگشاید و حمد الهی بجا آورد و صلوات بر پیغمبر ص بفرستد و این دعا را بخواند اللهم صل علی محمد عبدک
و رسولک و نبیک و امینک و حبیبک و نجیبک و خیرتک من خلقک اللهم کما بلغ رسالاتک
وجاهد فی سبیلک وصدع بامرک واوذی فی جنبک وعبدک حتی اتاه الیقین اللهم
اقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی بافضل ما یرجع به احد من وفدک من المغفرة والبرکة والرحمة

والرضوان


۱۱۶۰
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

